

































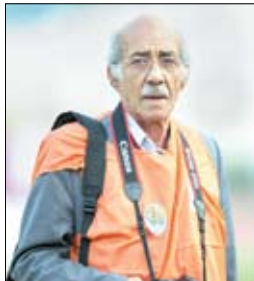




#### اخبار کوتاه داخلی

#### یونس علیشیری عکاس با سابقه ورزشی درگذشت

یونس علیشیری عکاس پیشکوت ورزشی به علت نارسایی کلیوی و ربوی در ۸۳ سالگی رخ در قلوب خاک کشید.



یونس علیشیری متولد ۱۲ مهرماه ۱۳۱۶ در بندر انزلی بود که بیش از ۳۷ سال در روزنامه اطلاعات و مجلات دنیای ورزش، اطلاعات هفتگی، جوانان، دختران و پسران فعالیت کرد و پس از بازنشسته شدن که تحمل خاتمه‌یسنی را نداشت مجددا به عرصه کار در روزنامه‌ها و نشریات دیگر از جمله اخبار نو، آینه، هدف و مهر مشغول به کار شد تا این که دیروز ۱۴ دی ماه ۱۳۹۹ در دنیایی از خاطره و عکس‌ها ماندگار چشم از جهان فرو بست.

سرپرست مؤسسه اطلاعات، سردبیر، خبرنگاران و کارکنان موسسه اطلاعات درگذشت مرحوم علیشیری پیشکسوت مطبوعات را به همسر فداکار ایشان، سرکار خانم کیتی صفایی و فرزندانشان تسلیت می‌گویند و از خداوند منان برای آن مرحوم غفران واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسألت دارند.

#### خداحافظی مسعود اسماعیل پور از دنیای قهرمانی

دارننده مدال های نقره و برنز کشتی آزاد جهان و طلای بازی های آسیایی که مدت ها به دلیل آسیب دیدگی دور از میادین بود، از دنیای قهرمانی خداحافظی کرد.

اسماعیل پور، آزادکار جوباری ایران و دارنده مدال هسای نقره و برنز جهان، طلای بازی های آسیایی و ۳ طلای آسیا با نشان متنی از دنیای کشتی خداحافظی کرد.اسماعیل پور آخرین بار اول اسال ۲۰۱۸ میلادی در تورنمنت اوکراین به میدان رفت که به عنوانی بهتر از یازدهمی نرسید.

#### شرکت عراقی حرمی مالی تیم دوچرخه‌سواری بانوان شد

یک شرکت عراقی در سال ۲۰۲۱ اسپانسر تیم ملی دوچرخه سواری بانوان ایران در رویدادهای بین المللی شد.

به گزارش ایسنا و به نقل از فدراسیون دوچرخه سواری، با رازبني های صورت گرفته از سوی فدراسیون دوچرخه سواری با شرکت VIBعراق، مقرر شد این شرکت تا پایان سال ۲۰۲۱ در ۵ رویداد بین‌المللی برای ۹ ورزشکار و کادر فنی، اسپانسر تیم ملی دوچرخه سواری بانوان شود.قرار است این شرکت، عراقی تمامی هزینه های مربوط به تجهیزات دوچرخه و هزینه های کلی مسابقات بین المللی را بر عهده بگیرد.

#### هفته دهم لیگ برتر و ۶ مسابقه

هفته دهم لیگ برتر فوتبال در حالی از امروز آغاز می شود که یک مسابقه آن ۵ یک برگزار شده و تاریخ یک بازی هم مشخص نشده است

تا این هفته به جای ۶ مسابقه، ۶ مسابقه داشته باشد. امروز شهرخودرو برابر سایپا قرار می گیرد.صنعت نفت آبادان،نفت مسجد سلیمان را پیش رو خواهد داشت.استقلال با آلمینیوم اراک رو رو می شود و فولاد خوزستان به مصاف سرخسجان خواهد رفت. در ادامه مسابقات این هفته فردا پیکان با نساجی مازندران روبرو خواهد شد و ذوب آهن هم تراکتورسرازی را ملاقات خواهد کرد.دالیه دیدار معروف پرسپولیس برابر سپاهان از هفته هفتم هم فردا برگزار خواهد شد. دیداری که با خاطر آن زمان بازی پرسپولیس برابر گل گهرسیرجان از هفته دهم،نمایشنامه است و مسابقه سپاهان با ماشین سازی از هفته دهم هم، دی بری برگزار شد.

#### سازمان بهزیستی اولویت‌های واگذاری

مدیر کل دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور با اعلام اولویت‌های واگذاری فرزندخوانده گفت: زوج های بسدون فرزند، در اولویت اول واگذاری فرزندخوانده قرار دارند و خانم مجرد و خانواده های دارای فرزند اول با اولویت های بعدی هستند.

سعید بابایی در گفت‌وگو با تسنیم، با بیان این که هم اکنون ۹ هزار ۶۳۳ نفر متقاضی فرزند در صف انتظار قرار دارند که باید هرچه سریع‌تر در اولویت سوم واگذاری هستند، افزود: کودکانی که توسط دادگاه بی‌سرپرست و یا به گونه‌ای بدسرپرست تشخیص داده شوند می‌توانند به عنوان فرزندخوانده به خانواده های متقاضی واگذار شوند. البته در صورتی که واگذاری سرپرستی کودک به اقوام او ممکن نباشد او ادامه داد: از ۹ هزار ۶۳۳ نفر متقاضی فرزندخواندگی، ۶ هزار و ۷۷۴ متقاضی زوج فاقد فرزند(اولویت اول واگذاری)، ۵۲۱ خانم مجرد (اولویت دوم واگذاری)، و ۲ هزار و ۳۷۸ خانواده دارای فرزند (اولویت سوم واگذاری) هستند.

معصومه تخصیصی، **اعتماد جبران خسارات سیل** **ابلاغ شد** معاون اول رئیس جمهوری معصومه مربوط به تخصیص اعتبار برای جبران خسارات ناشی از سیل در استان گیلان را ابلاغ کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، هیات وزیران در جلسه مورخ دهم دی ۱۳۹۹، با اختصاص مبلغ یک هزار میلیارد ریال اعتبار (شامل ۱۰میلیارد ریال به صورت هزینه‌ای و ۹۰میلیارد ریال به صورت تملک دارایی سرمایه‌ای) به منظور تأمین هزینه‌های ضروری اولیه و بازسازی تأسیسات آسیب دیده ناشی از سیل در شهرستان‌های غرب استان گیلان مواردی که در پی این موضوع می‌باشد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان موظف شد گزارش عملکرد این تصویب‌نامه را در مقاطع زمانی سه ماهه به سازمان‌های برنامه و بودجه کشور و مدیریت بحران کشور ارسال کند.

**ابلاغ اصلاحیه آیین‌نامه فوق‌العاده اشتغال خارج از کشور** معاون اول رئیس جمهوری همچنین مصوبه مربوط به اصلاح آیین‌نامه فوق‌العاده اشتغال خارج از کشور مستخدمان دولت را ابلاغ کرد.

در جلسه هیات وزیران که در دهم دی ۱۳۹۹ برگزار شد، آیین‌نامه فوق‌العاده اشتغال خارج از کشور مستخدمان دولت (مأمورین ثابت) موضوع گرویندگی کشورها از نظر سختی معیشت اصلاح شد.دولت این تصمیم را به استناد ماده (۳۰) قانون مقررات تشکیلاتی، استثنایی، مالی و انضباطی وزارت امور خارجه و به منظور تأمین نظر دیوان عدالت اداری اتخاذ کرده است.

وزارت صنعت، بازرگانی و صنایع  
کشور جمهوری اسلامی ایران

**فرارخوان مناقصه عمومی دوم مرحله‌ای تأمین کالاهای ۰۶۹۷/ت/ک/آج/۹۹ (نوبت اول)**

**شرکت بهره‌برداري نفت و گاز آفاجاری** در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای کالای مشروحه ذیل را از طریق شرکت‌های تأمین کننده داخلی خریداری نماید:

**۱-شرح مختصر کالای مورد نیاز:** قطعات شیرهای هیدرولیکی تقویت فشار SOLENOID ACTUATED (INPILOT),MANUAL OVERRIDE

اطلاعات تکمیلی متعاقباً به همراه فرم مناقصه ارسال می‌گردد.

**۲-محل تحویل کالا:** شرکت بهره‌برداري نفت و گاز آفاجاری -اداره تدارکات و امور کالا

**۳-موقع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۱۷۸۷۵۰۰۰۰۰۰ ریال

**۴-شرایط متقاضی:** توانایی ارائه تضمین شرکت در مناقصه و تضمین انجام تعهدات قرارداد طبق ضوابط جاری شرکت ملی نفت ایران، داشتن شخصیت حقیقی، حقوقی، شماره اقتصادی، توانایی مالی، ارائه سوابق کاری و همچنین مدارک و گواهینامه مرتبط و متناسب با موضوع مناقصه.

متقاضیان می‌توانند پس از انتشار، آگهی نوبت دوم-بها مراجعه حضوری و یا پایگاه اطلاع‌رسانی زیر نسبت به تهیه و تکمیل اطلاعات مورد نیاز اقدام نموده و تقاضای کتبی خود را به همراه مدارک درخواستی، حداکثر ظرف مدت ۱۴ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت ارزیابی کیفی و بررسی صلاحیت تأمین کنندگان در ارتباط با موضوع مناقصه به آدرس مناقصه گزار تسلیم نمایند.

شرکت بهره‌برداري نفت و گاز آفاجاری پس از بررسی اسناد و مدارک واصله و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران طبق قانون برگزاری مناقصات از شرکت‌های واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت خواهد آورد. ضمناً ارائه مدارک و سوابق پیچیده‌تر حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد و این شرکت در رد یا قبول پیشنهادهای در چارچوب قانون برگزاری مناقصات مختار است.

«فقط مدارک ارزیابی اسالی که در دفتر خانه رسمی کبی برابر اصل شده باشد مورد استناد خواهد بود.»

آدرس پایگاه اطلاع‌رسانی: <http://agopgc.nisoc.ir> بخش مناقصه‌ها، مزایده‌ها، آدرس: استان خوزستان -شهرستان امیدیه - بلوار نفت، شرکت بهره‌بردار نفت و گاز آفاجاری( اداره تدارکات و امور کالا)

تلفن: ۰۶۱۵۴۲۳۸۷  
تلفنکس: ۰۶۱۵۴۲۳۸۷  
فاکس: ۰۶۱۵۴۲۳۲۲۲۲  
**روابط عمومی شرکت بهره‌برداري نفت و گاز آفاجاری**

## شکست‌های تحقیر آمیز فوتبالی در سال ۲۰۲۰



#### فصل بوندسلیگا را تکمیل کرد.

#### پارسلونا ۲-۰ بایرن مونیخ

به نظر می‌رسید بدتر از آنفیلد و رد وجم ندانسته باشد اما پارسلونا آن را تجربه کرد. اگر این تیم یک سقوط را برابر لیورپول پس از پیروزی ۳ بر صفر در بازی رفت تجربه کرد برابر بایرن از ابتدا تحت فشار بودند و در نیمه اول اختلاف را به حداقل رساند. حتی با حضور گل های بیشتری بود که این اتفاق رخ داد. نوبر، بيو را در محوطه جریمه سرنگون کرد و گرامارچ با گلزنی از روی نقطه پتانی دبل کرد.

#### بایرن مونیخ ۸-۰ شالکه صفر

بایرن فصل را مطلقاً شروع کرد که به پایان رساند. حرف‌هایش را یکی پس از دیگری سرنگون کرد. باورایی‌ها ها شالکه را با ۸ گل تحقیر کردند. جشنواره گل با گلزنی گنابری در دقیقه ۴ شروع شد، بازنوبت که توانست یک‌هت تریک به نام خود ثبت کند. نوبت به گروتسکا رسید و در ادامه کایک، لواندوفسکی را به محوطه جریمه متوقف کرد. مهاجم لهستانی سومین گل را از روی نقطه پتانی به ثمر رساند. برای ششمین فصل پیاپی بود که این بازیکن در شروع فصل گلزنی می‌کرد. مولر و سانه در نیمه دوم دروازه شالک را باز کردند و موسیلا بزرگترین پیروزی یک تیم در شروع

#### شجاعی: نگاه مسئولان فدراسیون به فوتبال زنان منفی است



نایب رئیس پیشین بانوان فدراسیون فوتبال گفت: همه مشکلات فوتبال زنان را نباید به نایب رئیس ربط داد، چرا که وقتی نگاه رئیس فدراسیون به فوتبال بانوان منفی است نباید انتظار موفقیت داشته باشیم. فریده شجاعی در گفت و گو با اپرنا اظهار داشت: هفت سال در فدراسیون فوتبال حضور داشتم و همی دانه که هیچ‌گاه فیفا و ای‌افسی در خصوص مسابقات بین‌المللی شوخی ندارند. کشوری که ۱۸ ماه بازی رسمی نداشته، طبیعی است که از رتینگ‌یک خارج می‌شود. دختران فوتبالبست باید در میادین بین‌المللی حضور داشته باشند تا به رتینگ یک بین‌المللی بازگردند.

وی افزود: وقتی به عنوان نایب رئیس زنان به فدراسیون فوتبال آمدم، تیم ملی فوتبال زنان در رتینگ جهانی نبود. فعالیت‌های فدراسیون در رتینگ جهانی نبود. فعالیت‌های فدراسیون در رتینگ جهانی نبود. فعالیت‌های فدراسیون در رتینگ جهانی نبود. فعالیت‌های فدراسیون در رتینگ جهانی نبود.

شجاعی در ادامه گفت: در دوران علی کفاشیان فوتبال زنان خیلی موفق بود چون بستر مناسب برای رشد دختران را باید رئیس فدراسیون فراهم کند. رشد هم چیز را نباید به گردن نایب رئیس انداخت.

راحتی کار می‌کند و فقط آیندهون می‌تواند با این تیم رقابت کند. نولو شبروع بدی داشت اما آژاکس بهترین آغاز را و با ۱۳ گل حریفش را شکست داد تا نتیجه ای تاریخی در فوتبال هلند رقم بخورد. آخرین جشنواره گل به این شکل در سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاد که آیندهون با نتیجه ۱۰ بر صفر فاینورد را شکست داد. آژاکس زمانی که تیم حریف در دقیقه ۵۴ مجبور شد با یک بازیکن کمتر بازی کند ۴ بر صفر پیش پی به سپس هر حضورش در محوطه جریمه وولو تبدیل به یک گل می‌شد. ترانوره پوکر کرد و در این جشنواره گل هونتلاز (دبل)، لیساندرو مارتینس، پلیندا، اتنونی و اکاکامپ شرکت کردند.

#### آژانتین ۲۵-۰ نیوزلند۵

نام آژانتین در تمام کتاب های تاریخ جام جهانی راگی نوشته شد. این تیم یک پیروزی تاریخی مقابل نیوزلند به دست آورد و در نتیجه ۲۵ بر ۱۵ حریفش را شکست داد. از آن پس آژانتین نشان داد تیمی است که می‌تواند هر گروهی را شکست دهد. آلیی سلسته بازی را پرقدتر شروع کرد، مالکیت توپ را در اختیار داشت و نیوزلند را تحت فشار قرار داد. از طرفی حریفش پر اشتباه ظاهر شد تا چهاردهم نوامبر ۲۰۲۰ به یک روز تاریخی برای راکی آژانتین تبدیل شود.

#### کلیز۳۲ – ماوریکس۱۲

دالاس ماوریکس در اسپتلس ستر، لس آنجلس کلیز۳۲ را تغییر کرد و بردی با اختلاف ۵۱ امتیاز به دست آورد (۱۲۴ بر ۷۳). در حقیقت یک کشستار واقعی بود زمانی که نیمه اول با نتیجه تاریخی ۳۲ بر ۷۷ به پایان رسید. این بیشترین اختلاف امتیاز در دو کوآرتر نخست در تاریخ NBAبود وهمچنین سنگین ترین شکست در تاریخ کلیز۳۲ این رقابت ها به حساب می‌آمد. لوکا دونچچ در این دیدار درخشید و جاش ریچاردسون با کسب ۲۱ امتیاز بهترین عملکردش را نشان داد. کلیز۳۲ در حالی این شکست مخوفتری امیز را تجربه کرد که پیش از این شروع خوبی در فصل جدید NBAداشت و دو پیروزی کسب کرده بود که یکی از آن ها مقابل همشهریش لیکرز رقم خورد.

جسری از دبیک، دی لیخت و دی یانگ در آژاکس نیست اما تیم هلندی در لیگ کشورش به

### سکوت سئوال بر انگیز کمیسیون ورزشکاران بعد از انتخابات



کمیسیون ورزشکاران بعد از ۵ ماه از شکل گرفتن، فقط یک جلسه برگزار کرده است. به گزارش خبرگزاری فارس، با روی کار آمدن سیدرضا صالحی امیری در کمیته ملی المپیک، کمیسیون‌های مختلف هم فعالیت خود را آغاز کردند اما در این بین، کمیسیون ورزشکاران با حاشیه‌های زیادی رو به رو شد. عدم برگزاری جلسه، غیبت اعضا، استعفای دسته‌جمعی و ... همه از مشکلاتی بود که کمیسیون ورزشکاران با آن دست و پنجه می‌زد.

ریاست این کمیسیون در ابتدا برعهده حمید سوریان بود اما بعد از مدتی و با حاشیه‌هایی که به وجود آمد، انصرافش را اعلام کرد و آرش میراسماعیلی جایگزین شد. با توجه به اختلافات موجود، جلسات این کمیسیون به صورت منقطع برگزار نشد تا اینکه تصمیم بر این شد فعالیت‌ها مدتی را به‌عهده گرفت. با این وجود در حالی که در زمان انتخابات همه شعارهایی برای پیگیری مسائل و مشکلات ورزشکاران کشور مطرح می‌کردند و دم از حمایت ورزشکاران می‌زدند، بعد از برگزاری انتخابات و با گذشت بیش از ۵ ماه، کمیسیون ورزشکاران هیچ برنامه و اتفاق

وزارت صنعت، بازرگانی و صنایع  
کشور جمهوری اسلامی ایران

**«آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی فشرده» (نوبت اول)**

**شرکت سهامی بیمه ایران**

شرکت‌کنندگان باید شرایط مزایده را به دقت مطالعه و سپس تأیید نمایند تا امکان ادامه فرایند شرکت در مزایده فراهم گردد.

– کلیه وجوه درافتی از بابت فروش اقلام موضوع مزایده از طریق درگاه بانکی سامانه بسوده ولی برای مبالغ بیش از پنج میلیارد ریسال از طریق حواله بانکی خواهد بود و هرگونه مالیات، عوارض و حقوق دولتی مربوطه طبق مقررات و قوانین و همچنین هزینه آگهی و کارشناسی مزایده به عهده برنده مزایده می‌باشد.

– کلیه شرکت‌کنندگان موظف به رعایت دستورالعمل‌های مرتبط با پیگیری از ابتلا به ویروس کرونا می‌باشند و همراه داشتن ماسک و دستکش توسط کلیه شرکت‌کنندگان در سایت مزایده الزامی می‌باشد.

– برنده مزایده بایستی حداکثر ظرف مدت ۵ (پنج) روز پس از تاریخ اعلام نتایج، کل مبلغ پیش‌نهادی خود را به طور کامل واریز نماید در غیر این صورت طبق شرایط مزایده سیده شرکت در مزایده، بدون انجام هرگونه تشریفات قضایی یا اداری به نفع ذمه‌دار و وصول و شرکت‌کننده حقیقی‌هنگونه اعتراضی نخواهد داشت.

(ضمناً بعد از واریز وجه مابه التفاوت امکان انصراف وجود ندارد).

– جهت اطلاع از ضوابط و محدودیت مربوط به هر کدملی به اطلاعات مندرج در سایت شرکت به آدرس: [www.lkco.ir](http://www.lkco.ir) و اطلاعیه‌های اعلامی در محل برگزاری مزایده مراجعه نمایند.

– قبل از مراجعه جهت ثبت نام و دریافت اسناد مزایده، تکمیل اطلاعات شخصی در وب سایت <https://esale.lkco.ir> الزامی است و در صورت عدم ثبت اطلاعات امکان شرکت در مزایده وجود ندارد.

وزارت صنعت، بازرگانی و صنایع  
کشور جمهوری اسلامی ایران

**آگهی برگزاری اولین مزایده عمومی خودرو به صورت اینترنتی به شماره ۱۷-۹۹ گرو ه صنعتی ایران خودرو (انواع خودروهای سواری و وانت)**

**گروه صنعتی ایران خودرو(سهامی عام)** در نظر دارد تعدادی از انواع خودروهای سواری مربوط به خود و شرکتهای تابعه را از طریق مزایده عمومی و به روش اینترنتی به فروش برساند.

**زمان و محل برگزاری مزایده:**

روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۱۸ لغایت دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۲۲، جهت بازدید از خودروها به نشانی: «کیلومتر ۱۴ اتوبان تهران- کرج» به طرف شهرک پیکاشهر (آزادشهر)، خیابان شهید کوردی، انتهای خیابان هشتم غربی، جنب مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سیاست برگزاری مزایده‌های شرکت ایران خودرو مراجعه نمایند.

جهت ارائه پیشنهاد قیمت از طریق سایت اینترنتی به آدرس ذیل مراجعه فرمائید: [www.Auction.lkco.ir](http://www.Auction.lkco.ir)

– سیده شرکت در مزایده برای هر خودرو مبلغ شصت میلیون ریال می‌باشد که امکان اخذ سیده از طریق درگاه بانکی موجود در سامانه اینترنتی از کارت های عضو شبکه بانکی (شتاب) فراهم می‌باشد.(محدودیت پرداخت طبق ضوابط بانکی). درگاه بانکی هوشمند، فقط امکان ایجاد توپل از کارت‌های صاحب اصلی حساب بانکی را دارد.

– مشروح شرایط مزایده در سایت ایران خودرو و سامانه برگزاری مزایده اینترنتی به طور کامل درج شده است و شرکت در مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت به منزله قبول شروط و تکلیف مقرر در اسناد مزایده می‌باشد.

– مزایده‌گذار در رد یا قبول پیشنهادهای در هر مرحله از فرایند مزایده مختار می‌باشد.

وزارت صنعت، بازرگانی و صنایع  
کشور جمهوری اسلامی ایران

**نوبت دوم**

**آگهی فراخوان مناقصه عمومی**

**شرکت فاضلاب تهران** در نظر دارد مناقصه عمومی تأمین نیروی انسانی جمعی (شماره مناقصه ۰۸۳۰۰۰۰۵۴۲۰۰۰۰۰۸۳) را از محل اعتبارات جاری و با رعایت آئین نامه معاملات شرکت‌های آب و فاضلاب از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه متحقق سازند.

**۱-آشنائی و نشانی دستگاه مناقصه گزار:** شرکت فاضلاب تهران -تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان اندیشه، نبش اندیشه ششم، تلفن: ۰۲۱۸۸۴۳۵۹۶۱ و فکس: ۰۲۱۸۸۴۰۹۱۹۴

**۲-موضوع مناقصه:** انجام خدمات تأمین نیروی انسانی جمعی به تعداد ۷۶ نفر

**۳-پایه:** .....

**۴-مهلت زمانی در یافت اسناد مناقصه:** تا ساعت ۱۸ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

**۵-مهلت تحویل پیشنهادها:** تا ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۷

**۶-تاریخ باز گشایی پاکت‌ها:** ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۷

**۷-مبلغ بر آورد:** ۲۵۴،۲۵۴،۱۹۴،۱۰۷ ریال

**۸-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۲۰،۰۶۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال (شرکت‌کننده می‌بایستی تضمین شرکت در مناقصه خود را به صورت ضمانتنامه بانکی و یا به صورت فیش نقدی در وجه شرکت فاضلاب تهران به شماره حساب ۰۷۲-۱۲۲۹۹۴۸ نزد بانک ملت شعبه شریعتی کد ۶۸۲۹۶ واریز نماید و بایستی اصل تضمین (پاکت الف) در پاکت در بسته در مهلت مقرر به دبیر خانه شرکت فاضلاب تهران تسلیم گردد.)

«به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.»

«ضمناً هزینه چاپ آگهی به عهده کارفرما می‌باشد»

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی <http://iets.mporg.ir>، <http://ts.tpww.ir>، [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) مراجعه نمایند.

**شرکت فاضلاب تهران**

وزارت صنعت، بازرگانی و صنایع  
کشور جمهوری اسلامی ایران

**اخبار کوتاه خارجی**

**دعوت نیماز از رونالدو و ام باهه در چالش خیرخواهانه**

ستاره‌پاری سن‌ژرمن از کریستیانو رونالدو و ام باهه برای حضور در یک چالش دعوت کرده است.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، نیماز جوونیور بازیکن برزیلی که حضور فعالی در فضای مجازی دارد برخلاف گذشته، این دفعه در چالشی خیرخواهانه شرکت کرده و از رونالدو و امپاهه برای حضور در این کار دعوت کرده است.شخصی که با این چالش وارد می‌شود، باید مبلغی را به عنوان کمک مالی برای مبارزه با ویروس کرونا به شرکت واکسن سازی اهدا کند.

گفتنی است که تا کنون بیش ۵۱ میلیون یورو از طریق این چالش برای مبارزه با کرونا جمع آوری شده است.

**واکنش رسانه قطری به درخشش رضایان در السیلیه**

نشریه معروف قطری در خصوص عملکرد دو مدافع ایرانی گزارش جالبی نوشت.

به گزارش ایلنا، در هفته دوازدهم لیگ ستارگان قطر، السیلیه که به تازگی رامیس رضایان را به خدمت گرفته است به مصاف الریانی رفت که شجاع خلیل زاده را در اختیار دارد. این دیدار با نتیجه ۲ بر صفر به سود السیلیه به پایان رسید. نشریه الشرح قطر نوشت: فردی باخت.در اشتباه اول و بزرگ شجاع خلیل دروازه خودشان را باز کرد و دومین گل السیلیه هم با اشتباه دیگر مدافع الریان از روی نقطه پتانی به ثمر رسید. در مقابل السیلیه می‌توانست با ضربه کاشته زیبایی لژیونر جدید ایرانی اش رامین رضایان به گل سوم برسد.

**قول پوچتینو به هواداران PSG**

سرمربی جدید پاری سن ژرمن به هواداران این تیم قول بازی هجومی و زیبا را داد.

به گزارش ایسنا و به نقل از اسپورت، پوچتینو گفت: هواداران پاری سن ژرمن دوست دارند که تیم بازی هجومی و درگیرانه به نمایش بگذارد و من به آنها چنین قولی خواهم داد چون برای من افتخار بزرگی است که هدایت پاری سن ژرمن را برعهده بگیرم. پاری سن ژرمن همواره جایگاه خاصی در قلب من داشته است.

من به باشگاه سابق خود برگشته ام و انگیزه بسیار بالایی دارم. پاری سن ژرمن با بازیکنان بسیار خوب و امکانات مناسبی که دارد آماده رقابت در هر جامی است و ما می‌خواهیم بهترین فوتبال را به نمایش بگذاریم.

**آزمون تا تابستان در زینت ماندنی است**

یک رسانه روسی خبر داد باشگاه زینت قصدی برای فعالیت در نقل و انتقالات زمستانی ندارد.

به گزارش خبرگزاری فارس، سایت «Bobsoccer» روسیه خبر داد که باشگاه زینت سن پترزبورگ اعلام کرده قصدی برای فعالیت گسترده در نقل و انتقالات زمستانی و فروش بازیکنانش ندارد.

گفتنی است که پیش از این برخی از رسانه‌ها این روسیه مدعی شدند باشگاه فیورنتینا به دنبال سردار آزمون، مهاجم ایرانی زینت است ولی با این خبر رسانه روسی، مهاجم ملی پوش ایرانی تا تابستان آینده در ترکیب زینت ماندنی خواهد بود.

وزارت صنعت، بازرگانی و صنایع  
کشور جمهوری اسلامی ایران

**نوبت دوم**

**آگهی فراخوان مناقصه عمومی**

**شرکت فاضلاب تهران** در نظر دارد مناقصه عمومی تأمین نیروی انسانی جمعی (شماره مناقصه ۰۸۲۰۰۰۰۵۴۲۰۰۰۰۰۰۸۲) را از محل اعتبارات جاری و با رعایت آئین نامه معاملات شرکت‌های آب و فاضلاب از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه متحقق سازند.

**۱-آشنائی و نشانی دستگاه مناقصه گزار:** شرکت فاضلاب تهران -تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان اندیشه، نبش اندیشه ششم، تلفن: ۰۲۱۸۸۴۳۵۹۶۱ و فکس: ۰۲۱۸۸۴۰۹۱۹۴

**۲-موضوع مناقصه:** تأمین نیروی انسانی اداری به تعداد ۲۰ نفر

**۳-پایه:** .....

**۴-مهلت زمانی در یافت اسناد مناقصه:** تا ساعت ۱۸ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

**۵-مهلت تحویل پیشنهادها:** تا ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۷

**۶-تاریخ باز گشایی پاکت‌ها:** ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۱۱/۷

**۷-مبلغ بر آورد:** ۲۸،۲۶۳،۹۶۰،۲۷۹ ریال

**۸-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۹۳۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال (شرکت‌کننده می‌بایستی تضمین شرکت در مناقصه خود را به صورت ضمانتنامه بانکی و یا به صورت فیش نقدی در وجه شرکت فاضلاب تهران به شماره حساب ۰۷۲-۱۲۲۹۹۴۸ نزد بانک ملت شعبه شریعتی کد ۶۸۲۹۶ واریز نماید و بایستی اصل تضمین (پاکت الف) در پاکت در بسته در مهلت مقرر به دبیر خانه شرکت فاضلاب تهران تسلیم گردد.)

«به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.»

«ضمناً هزینه چاپ آگهی به عهده کارفرما می‌باشد»

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی <http://iets.mporg.ir>، <http://ts.tpww.ir>، [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) مراجعه نمایند.

**شرکت فاضلاب تهران**













۲۷۳ فصلیه اجتماعی روزنامه اطلاعات

شماره ۱۵ دی ۱۳۹۹ - سال ششم و پنجم - شماره ۲۷۳۶۵

# زندگی در عصر اینترنت





## میدان مشق



• ارمان زمان فشمی

## عطر خوش عشق

آن وقت‌ها همه چیز طور دیگری بود. پسر همسایه یک ورق کاغذ خوشنویسی با طرح ابر و باد برمی داشت و از بالا تا پایین روی آن می نوشت «دوستت دارم»، شیشه ادکلنش را خالی می کرد روی دوستت دارم‌ها، در انتها روی کاغذ چند قطره اشک می ریخت و دورشان را با خود کار خط می کشید تا جوهر و اشک با هم آمیخته شوند. بعد هزار کلک سوار می کرد تا نامه را یک جوری به دست دختر مورد علاقه اش برساند که کسی نبیند و نفهمد.

دختر، دفتر خاطراتی داشت. لابه لای ورق های آن، گل خشک کرده ای بود که بوی ادکلن پسر را می داد. در یکی از صفحه ها هم طرحی زده بود از قدوبالای مردانه ای که بر درختی تکیه کرده و لابد عاشق بوده و گریه کرده.

بعدتر خانواده تشکیل می دادند. پسر مرد می شد و به جبهه می رفت یا برای یک لقمه نان به جاده ها می زد یا به مأموریت اداری می رفت. دختر برایش نامه می نوشت و از صف نان و نفت و اجناس کوپنی حرف می زد. آخر نامه هم می گفت اگر توانستی چند روزی مرخصی بگیر، بچه ها دلشان برایت تنگ شده. مرد می دانست که زن، احساسات خودش را هم لابه لای شرح بی قراری بچه ها قایم می کند.

در خیلی از خانه ها صندوقچه ای هست که نامه ها و دفترهای خاطرات و یادگارهای گذشته در آن جا خوش کرده اند. هنوز از ورق ورقشان، خاطره چکه می کند روی گونه آدم ها.

این روزها ما کمتر کسی از دلبرش چنین یادگاری هایی دارد، حتی شاید خیلی ها دستخط طرفشان را هم نشناسند. ابراز علاقه ها با فونت های ریز و درشت چاپی و قلب ها و گل های شبیه هم، در موبایل ها و کامپیوترها جا خوش می کنند. قهر و آشتی ها به بلاک و آنیلاک شدن تبدیل شده است. حتی روی دسته گل های طبیعی هم یک کارت می چسبانند که از قبل، «دوستت دارم» را روی آن چاپ کرده اند، بدون هیچ بو و خاصیتی.

عجیب نیست اگر آخر عشقی که بوی گل مصنوعی می دهد، چند فحش و ناسزا باشد، پیش از آن که طرف را بلاک کنی. وقتی تار مویی از او لابه لای صفحه های کتابت نباشد و عطرش را روی هر چیزی که متعلق به اوست نشناسی و دستخطش را ندیده باشی، چه فرقی دارد با دیگران، با همه غریبه های توی خیابان؟

گاهی عشق را از تلگرام و اینستاگرام بیرون بیاور تا هوای تازه بخورد. برای کسی که دوستش داری کتابی بخر و صفحه اول کتاب، یادداشتی بگذار که بوی جوهر و اشک و گل خشک بدهد. یک نامه پر از دوستت دارم برایش بنویس. بگذار دستخطت را بشناسد، بگذار دوست داشتنت به تنش بنشیند، بگذار عطر خوش عشق را روی گل ها و نامه های حس کند. آن وقت شاید هیچ وقت لابه لای ای میل ها و ایموجی ها گمش نکنی.

## زیرگذر اینترنت

## خوب و بد دنیای دیجیتال

بعضی چیزها هم الکترونیکند اما ربطی به دولت الکترونیک و لوازم برقی ندارند. مثالش را «محمد غزنویان» زده: «می دانم سیگار الکترونیک هم یک جور وابستگی جدید است ولی برای من که از ۱۵ تا ۳۷ سالگی بی وقفه سیگار کشیدم غنیمت است. ده روز سیگار دود نکردن هرگز برای من اتفاق نیفتاده بود و برای اولین بار در زندگی حس می کنم تمایلی به توتون و تنباکو ندارم و از بوی دود احساس ناخوشایندی به من دست می دهد.»

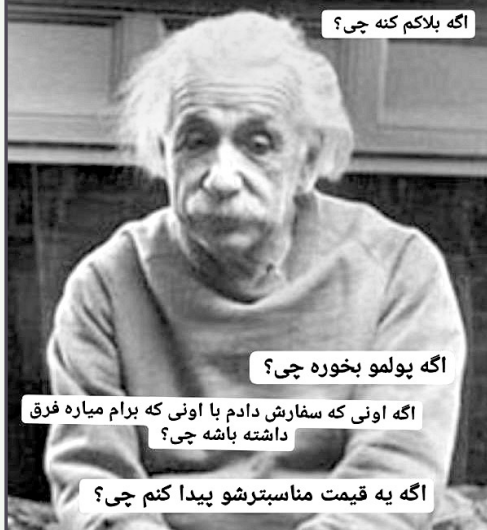
برخی از کاربران به تبادل نظر درباره خرید اینترنتی پرداخته اند، مثلاً کاربر «ممد» نوشته: «مشکل من در خرید اینترنتی این است که یارو عکس گذاشته سلوار بفروشد، من از کفشش خوشم می آید!»

«سنیوریتا» گفته: «خرید اینترنتی آن جایش خوب است که این قدر به چیزی که می خواهی بخری زل می زنی تا از چشمت می افتد و دیگر آن را نمی خری.»

اگه حالا که پولو دادم دیگه جواب دایرکمو نده چی؟

اگه برام نفرسته چی؟

اگه بلاکم کنه چی؟



اگه پولمو بخوره چی؟

اگه اونو که سفارش دادم با اونو که برام میاره فرق داشته باشه چی؟

اگه یه قیمت مناسبترشو پیدا کنم چی؟

«الی» با به اشتراک گذاشتن این تصویر، در شرح آن نوشته: «وقتی خرید اینترنتی می کنم!»

«شیزوفرنا» گفته: «تنها هیجان زندگیمان این شده که چیزی اینترنتی خرید کنیم و صبر کنیم بیاید تا ببینیم ایرادش چیست!»

ناطق گفته: «اعتیاد به مواد مخدر را شاید بشود روزی ترک کرد ولی اعتیاد به خرید اینترنتی را نه!»

«مارتا» از تجربه خودش حرف زده: «امروز بعد از ۱۰ ماه رفتم بازار. بعد از نزدیک یک سال خریدهای اینترنتی خیلی عالی، خرید حضوری تجربه خیلی افضاحی بود؛ شلوغی، آلودگی، گران فروشی، بی احترامی. با راننده اسنپ هم دعوایم شد. خرید اینترنتی یعنی حق انتخاب، احترام، آرامش.»

البته ایشان به طور ضمنی ادعا کرده که تجربه تاکسی اینترنتی چندان هم خوشایند نبوده!

این روزها خیلی از کارها را باید از راه دور و با استفاده از اینترنت انجام داد. حتی پیش از فراگیری کرونا هم زندگی به سمت دیجیتال شدن می رفت و کشورهای پیشرفته از اینترنت برای انجام امور اداری و آموزش و ایجاد ارتباطات و حتی ارائه خدمات درمانی مانند جراحی از راه دور و غیره استفاده می کردند. کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته هم با تأخیر و به اجبار زندگی مدرن، به استفاده از امکانات و تکنولوژی های جدید روی آوردند اما وقتی زیرساخت ها فراهم نباشد، پیشرفت در این زمینه دشوار است.

اجبار استفاده از اینترنت برای انجام امور مختلف، برای نسلی که با کامپیوتر آشنایی ندارد یا نسبت به آن بی اعتماد و بی علاقه است، محدودیت هایی به وجود می آورد، پایین بودن سرعت و بالا بودن قیمت اینترنت، کاربران آن را کلافه می کند و در نهایت، همیشه خطر هک شدن و افتادن در دام کلاهبرداران اینترنتی وجود دارد، اما ضعف در ارائه خدمات اینترنتی، به طوری که شما مجبور شوید کارها را با تلفیقی از مکاتبات اینترنتی و مراجعات حضوری انجام بدهید، از همه آزارنده تر است.

یکی از کاربران نوشته: «قرار بود دولت الکترونیک زندگی را ساده کند، نه این که برای یک سند ساده در دوران کرونا مجبور باشیم به این جاها مراجعه کنیم: دفتر پیشخوان دولت، دفتر خدمات الکترونیک شهر، دفتر خدمات الکترونیک قضایی، دفتر پلیس + ۱۰، دفتر اسناد رسمی، دفتر خانه دوم برای گواهی امضا، بانک و دفتر فنی برای کپی مدارک!»

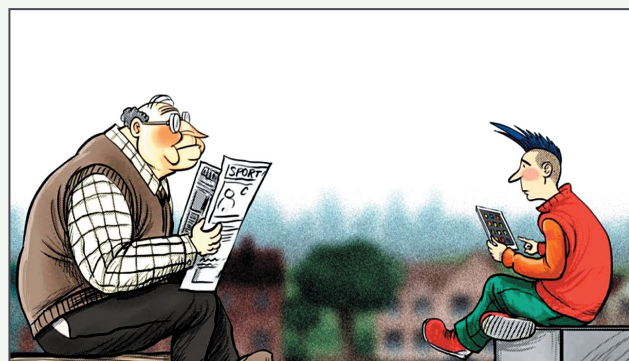
«عرفان مجیب» هم به وضعیت مشابهی اشاره کرده: «سازمان تأمین اجتماعی به خاطر کرونا فیش حقوقی را فقط به صورت اینترنتی صادر می کند. روال کار این طور است که مراجعه می کنی به اداره، آن ها ارجاعت می دهند به کافی نت، بعد رمزی را که به تو پیامک می شود می بری اداره، شناسه کاربری می گیری، می روی خانه فیش را صادر می کنی و چون پرینتر نداری باز می روی به دفتر تایپ و تکثیر!»

«پرهام باغستانی» نوشته: «ده سال پیش که بحث تجربه کاربری و کاربرپذیری پیش آمد، یکی از بزرگ ترین اهدافم این بود که این تأثیر را در مسائلی مثل دولت الکترونیک و زندگی مردم ببینم ولی هر چه بیش تر پیش رفتم دیدم اصلاً تفکر غالب در این سیستم آن است که فرآیندها را برای مردم پیچیده کنند و تلاش ها فایده ندارد.»

«غزاله محبوبی» هم شاکی است: «در این ۳۰ سال زندگی نشد فقط یک بار کارم با سیستم های الکترونیک راه بیفتد (به جز ثبت نام کنکور). ۱۱ سال پیش دانشجوی کاردانی بودم، با این که وام نگرفتم، صندوق رفاه هنوز تسویه حسابم را در سیستم ثبت نکرده است.

این موضوع را امروز سر یک کار سیستمی دیگر فهمیدم. زنگ زدم، طرف می گوید اگر رسید پرداخت خوابگاهت پیدا نشود باید دوباره واریز کنی (رسید ۱۱ سال پیش)! یک کار در یک واحد اداری که به راحتی یک پیامک زدن انجام می شده، پنج ماه عقب افتاده و امروز حضوری رفتم تکمیلش کردم. پلاک ماشین و شماره تلفن من عوض شده، آن وقت سیستم ثبت نام کارت سوخت می گوید شماره تلفنت با شماره ملی ات یکی نیست! یعنی باز هم باید بروم حضوری حلش کنم.»

## تماشاخانه



● شکاف بین نسل ها

ضمیمه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می شود.  
از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می کنیم.

Email:jameettelaat@gmail.com

تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰



## خرید از راه دور



● مرضیه سلیمانی

کم کم دلم برای خریدهای اینترنتی زهره خانم و سختگیری هایش تنگ می شد که یک روز سه شنبه بسیار معمولی با هزار عذر و شرمساری به سراغم آمد.

ترس برم داشته بود و به دهانش زل زده بودم. گفت: راستش موضوع خرید اینترنتی است و برایت زحمتی دارم. داشتم پس می افتادم که گفت برای جهیزیه مهسا قدری خرید کرده. قرار است شنبه آینده اجناس خریداری شده را تحویلش بدهند اما آن ها ویلای دوستشان را گرفته اند و می خواهند یک هفته ای به شمال بروند. از من خواست جنس های خریداری شده را از پیک تحویل بگیرم. نفس راحتی کشیدم و ذوق زده گفتم به روی چشم.

زهره خانم و خانواده به اتفاق مهنوش و همسر و پسرش رفتند و من مشغول سر و سامان دادن به کارهای خودم شدم. قرار بود عصر پنجشنبه خانواده ای برای امر خیر به خانه مان بیایند. تنها فرزندم در آستانه ازدواج بود و من خوشحال و نگران، چنان در افکار خودم و کارهای مربوطه غرق شدم که موضوع خرید زهره خانم را به کلی فراموش کردم.

با این حال، عصر پنجشنبه خیلی زود از راه رسید. مهمان های ما آمدند و کارها داشت به خوبی پیش می رفت که ناگهان زنگ خانه را زدند.

زهره خانم آهی کشید و گفت: ای بابا، مهسا که از صبح تا غروب سر کار است. شب هم خسته و کوفته با مرغ و خروس ها می خوابد. صابر هم که گرفتار کارگاه و کارگاهش است.

بعد لبخند شیطنان آمیزی زد و گفت: خدا خیرت بده. یک تُک پا بیا خانه مان و کارم را راه بینداز. تا آدم حرفی از پیاده روی بزنم، دستم را گرفت و کلید را از کیفش درآورد. به محض این که روی میل نشستم، به زهره خانم گفتم گوشه اش را بیاورد تا لیم کار را یادش بدهم و قال قضیه را بکنم. بنده خدا مثل فریره گوشه اش را آورد اما تا شروع کردم به سرچ کردن، دیدم که ای دل غافل اینترنت ندارد.

وقت را تلف نکردم. گوشه خودم را آتش کردم و چند پیچ و سایت فروش آنلاین را به او نشان دادم. این جا بود که علت مبتلا شدن به خار پاشنه اش معلوم شد. اگر قرار بود همین قدر که در اینترنت می چرخد، در خیابان هم دور بزند، خار پاشنه کمترین بلایی بود که سرش می آمد. نشان به آن نشان که چهار ساعت تمام گشت و درست در لحظه ای که طاقتم طاق شده بود و دنبال راه فراری می گشتم، کتانی دلخواهش را انتخاب کرد. از ترس این که پشیمان بشود، سریع سفارش را ثبت و پول را واریز کردم. آدرس را فرستادم و با لبخندی فاتحانه از خانه اش بیرون آمدم.



آیفون را که برداشتم، صدایی خسته از آن سو گفت: جنس هایتان را آوردم. واحد چند بودید؟ هول و دستپاچه گفتم: ده. بعد، با توضیح مختصری ماجرا را برای مهمانان تعریف کردم تا به خیال خودم سرو ته ماجرا را هم بیاورم. چند دقیقه بعد، اولش سر و صدای کارگرا به گوش رسید که مدام می گفتند یواش، یواش، مواظب دیوار باش. و بعد، زنگ آپارتمان بود که بی وقفه سوت می زد.

چاره ای نبود. در را باز کردم. کارگرا کشان کشان، دو سر یک کمد دو در را گرفته بودند و می پرسیدند کجا بگذاریم خانم؟ بعد تکه ها و وصله های یک تخت دونفره با خوش خواب و بقیه متعلقاتش وسط هال قرار گرفت. داماد آینده من ناخودآگاه یا خودآگاه بلند شده بود و به آن ها کمک می کرد. پدر و مادرش هاج و واج نگاه می کردند و من چکه چکه در زمین فرو می رفتم.

این ها همه به کنار، خنده دارترین و البته غمبارترین صحنه آن جا بود که مقدار زیادی ظروف پلاستیکی صورتی، از جمله یک آفتابه صورتی بزرگ را به داخل آوردند که دور دسته هر کدام روبانی قرمز بسته شده بود. همه وسایل را یک جایی چیداندند. اما مگر خانه ما چقدر جا داشت؟ این بود که آفتابه را روی میز جلوی میل گذاشتند، کنار گل و شیرینی. بعد هم از من طلب انعام کردند. امضایی گرفتند و رفتند.

این که چرا آن روز وسایل را آوردند و چرا زهره خانم حقیقت ماجرا را به من نگفت در کنار چراهای دیگر، سؤال هایی بود که هیچ وقت به جواب نرسید. اما در میانه آن بلبشو، ما قرار عقد و ازدواج را گذاشتیم. دخترم ازدواج کرد و ماجرای آن شب هنوز هم سوژه جذابی برای شوخی های او و همسرش است...

اما این فقط اول کار و شروع بدبختی های من بود. زهره خانم که کتانی های فسفری اش فدای آن روز به دستش رسیده بود، آن قدر از خرید اینترنتی اش ذوق کرد که دوان دوان به سراغم آمد و نظرم را درباره شلوار جین دمپاگشاد پرسید. من - طبق عادت - گفتم همه چیز به او می آید. و بعد از آن نفهمیدم چه شد. چند دقیقه بعد، زهره خانم روی میل نشسته بود و من بخت برگشته، گوشه به دست، مشغول جست و جوی شلوار جین دمپاگشاد بودم. آن روز تمام اجداد جلوی چشمم ظاهر شدند، دستی تکان دادند و رفتند. تنوع زیاد، قیمت های متفاوت و سختگیری زهره خانم روز گارم را سیاه کرد.

چند بار دیگر هم ماجرا تکرار شد و بدترینش وقتی بود که برای شب خواستگاری مهسا، دنبال انار دان کرده در ظرف های پایه دار بود. تا مدت ها جلوی چشم زهره خانم ظاهر نمی شدم. یکی دوباری هم زنگ خانه مان را زد، اما من که از چشمی در او را می دیدم، در را باز نکردم. تا این که بالاخره در آسانسور گیر انداخت. ناشیانه خودم را به مرضی زدم اما انگار فهمید، چون با اصرار مرا به خانه شان دعوت کرد. درست است که آن روز به خانه آن ها نرفتم اما بعد از سبک سنگین کردن های فراوان، تصمیم گرفتم یک بار برای همیشه پرونده را منتهی کنم. این بود که یک روز ظهر که می دانستم در خانه تنهاست، به سراغش رفتم و سیر تا پیاز خرید اینترنتی را یادش دادم. و برای این که مطمئن شوم، از او خواستم چند تکه جنس بنجل برای من سفارش بدهد.

انگار دنیا به کامم شده بود. با اعتماد به نفس سوار آسانسور می شدم و هر وقت زنگ درب خانه مان به صدا در می آمد، با خوشرویی در را باز می کردم.

زهره خانم همسایه روبه رویی ما بود و راستش را بخواهید هنوز هم هست. در واقع ما و زهره خانم آپارتمان هایمان را همزمان با هم خریدیم اما ما بلافاصله به این خانه نقل مکان کردیم و آن ها یک سالی خانه شان را اجاره دادند. اوایل با آن ها مصمیمی نبودیم. چندسال فقط سلام و علیکی بود که جلوی درب آسانسور رد و بدل می شد. بعد که آقاصابر - همسر زهره خانم - مدیر ساختمان شد، بیش تر همدیگر را می دیدیم. تا این که برای دختر بزرگشان خواستگار آمد و آن ها تصمیم گرفتند عروسی را در خانه شان برگزار کنند.

\*\*\*

دو سه ماهی از این ماجرا گذشت. خانه زهره خانم شلوغ و پرسر و صدا شده بود. صدای شادی و خنده شان به هوا بلند بود. روزهایی هم که بزن و بکوب نداشتند، زهره خانم و دختر بزرگش - مهنوش - روانه بازار می شدند و شب با کوهی از اسباب و وسایل برمی گشتند. یکی از این شب ها با اصرار، مرا به خانه شان بردند و با یک چای آلبالوی خوش رنگ، خستگی را از تنم بیرون کردند. گفتند تقریباً همه چیز برای عروسی آماده است جز این که هزینه تالار و سالن خیلی بالاست و داماد هم تازه دست به جیب شده است. اگر می شد عقد و عروسی را در خانه خودشان بگیرند، خیلی خوب می شد، اما آپارتمان آن ها فقط برای نصف مهمان ها جا دارد.

من که آن روز در رفت و آمد بین پله ها فشار خونم بالا رفته و سرم گرم شده بود، یک لحظه دهان باز کردم و تعارف کنان گفتم خانه ما هم هست. بعد یکهو متوجه اشتباهم شدم و برای جمع کردن موضوع ادامه دادم اما کلیه ما قابل شما را ندارد. جمله ای که کار را تمام کرد، البته برای زهره خانم و خانواده محترمشان!

\*\*\*

چندروز بعد، زهره خانم و مهنوش قرار و مدارشان را با آقای داماد گذاشتند. سور و سات عروسی را آماده کردند و تاریخ جشن را به ما اطلاع دادند. بعد گفتند چون جایشان کم است، هیچ کدام از همسایه ها را دعوت نکرده اند اما قدم ما سر چشمشان است. ما اولش دچار درگیری فکری شدیم. بعد، موضوع را به بحث و بررسی گذاشتیم و آخرش، به زهره خانم و آقاصابر اعلام کردیم که شب عروسی جایی دعوت داریم و نمی توانیم در خدمتشان باشیم. یکی در روز قبل از عروسی، خانواده زهره خانم به اتفاق دامادشان آمدند و آپارتمان ما را تغییر کاربری دادند. سفارشات لازم را کردند. کلید را گرفتند و رفتند.

فردای عروسی به خانه برگشتیم و اگر از چند نقطه فرش که بازغال اسپند سوخته بود، گوشه پرده که پاره شده بود و چاه توالت که گرفته بود، بگذریم، همه چیز مرتب بود و من فکر کردم به زحمتش می ارزید. زهره خانم و خانواده اش همسایه های خوبی بودند.

\*\*\*

حالا دیگر رابطه ما و خانواده زهره خانم کمی بیش تر شده بود، طوری که گه گاه کنار پنجره آشپز خانه هایمان که رو به هم باز می شد، می ایستادیم و با هم صحبت می کردیم. مهنوش صاحب پسری شده بود و مهسا - دختر کوچک آن ها - ضمن این که سر کار می رفت، با دختر من دوستی داشت.

همه چیز خوب پیش می رفت. تا این که یکروز عصر، وقتی مثل هر روز عازم پیاده روی بودم، تا درب آسانسور را باز کردم، زهره خانم را دیدم که غمگین و اخمو از آن بیرون آمد. علتش را که پرسیدم، گفت: خار پاشنه انامم را بریده. نمی توانم راه بروم. دکتر گفته حتی در خانه باید کتانی بپوشم. اما این سختگیری هم کار دستم داده. باید بگردم تا کتانی مورد پسندم را پیدا کنم اما پای رفتن ندارم. این جا بود که یکبار دیگر دهانم را بی موقع باز کردم و گفتم: چرا اینترنتی خرید نمی کنید؟





## زندگی در عصر اینترنت



● مصطفی حیدری

شیوع ویروس کرونا بسیاری از مشاغل را به سمت گسترش فضای مجازی پیش برد. تعطیلی مدارس، شبکه شاد را راه اندازی کرد و تعطیلی مراکز خرید در بازه‌هایی از زمان، کسب و کارها را به سمت ایجاد بستر فروش آنلاین سوق داد. مبالغ مالیات و اجاره‌های سنگین مغازه در تهران و شهرهای بزرگ، بعضی از فروشندگان را به این سمت کشیده تا کسب و کار آنلاین خود را راه اندازی و تقویت کنند. رعایت پروتکل‌های بهداشتی باعث شده تا مردم کمتر به مراکز خرید مراجعه کنند، در حالی که گسترش فضای مجازی و کسب و کار آنلاین، حلقه گمشده‌ای است که می‌تواند هم از تردد غیر ضروری جلوگیری کند و هم آمار مرگ و میر و ابتلا و ترافیک را کاهش دهد.

در خصوص مزایا و معایب کسب و کارهای آنلاین باپشتون پورپزشک، کارشناس کسب و کارهای آنلاین که سابقه مدیریتی در شرکت‌های خرید و فروش آنلاین را هم دارد، گفتگو کرده‌ایم.

پورپزشک در خصوص بهتر شدن اوضاع خرید و فروش آنلاین در دوران کرونا و نوآوری‌های جدید در این حوزه گفت: با شیوع ویروس کرونا اوضاع هم بهتر شد و هم نشد. بهتر نشد، از این جهت که قدرت خرید مردم به دلیل شرایط اقتصادی حاکم بر ایران به شدت کاهش یافته، در نتیجه رفتار خرید مخاطب تغییر کرده و اغلب افراد اقدام به خرید کالاهای مورد نیاز و اساسی می‌کنند.

فروشگاه‌های پیشروی اینترنتی که کسب و کار خود را شکل داده بودند، از نظر تعداد اقلام فروخته شده رشد نسبی را تجربه کردند و در فروش آن‌ها تأثیر داشت. قاعدتاً گروه کالاهایی که با رشد زیاد فروش مواجه شده‌اند، کالاهای مصرفی و تندگردش هستند. اما تورم و شرایط اقتصادی حاکم، کسب و کارهای نوپا را با مشکل توسعه مواجه کرده است.

با توجه به شرایط کرونا، سهم کسب و کارهای آنلاین باید از خرده‌فروشی بیش تر باشد، اما برخلاف خیلی از کشورهای همسایه و حتی دنیا که کسب و کارهای آنلاین آن‌ها با رشد چشمگیر فروش مواجه شده‌اند، در ایران این کسب و کارها همچنان درگیر موارد ابتدایی خود هستند؛ یعنی نه تنها ارزش آن‌ها بیش تر نشده، بلکه با در نظر داشتن تورم اقتصادی و قیمت ارز، ارزش کسب و کار اکثرشان کمتر هم شده است. شیوع کرونا در یک سال گذشته و تقاضای بیش تر برای خرید و فروش آنلاین، چالش‌های جدیدی را برای کسب و کارهای این حوزه ایجاد کرد که مهم‌ترینشان، زنجیره توزیع سفارش‌ها و بحث تحویل کالا در محل به مشتری بود. ایران به خاطر ویژگی‌های مخاطبان و ساختار تقاضای آن‌ها می‌تواند یکی از کشورهای پیشرو در این حوزه باشد و در برخی از حوزه‌ها توانسته‌ایم زیرساخت‌های نرم‌افزاری و مدل‌های کسب و کار خوبی داشته باشیم که با شیوع کرونا جذاب‌تر هم شده‌اند.

برای مثال در حوزه حمل و نقل و ارسال درب به درب سفارش‌های اینترنتی، ایران پیشرو است و زمانی که آن را با کشورهای حوزه خلیج فارس مقایسه می‌کنیم، خدمات با این وسعتی که در ایران وجود دارد، در آن کشورها نیست. به طور کلی این حوزه در کشورهای محدودی مانند چین، هند و برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی رشد و بلوغ متفاوتی دارد و در چند سال اخیر ایران نیز در این بخش پیشرفت خیلی خوبی داشته و می‌توان گفت در منطقه به عنوان یک الگو به آن توجه می‌شود.

اما نکته بازدارنده برای توسعه این کسب و کارها نسبت به سایر کشورهای منطقه، بسته بودن بازار ایران است که از دو نظر مشکل ایجاد می‌کند، اول در خصوص صادر کردن خدمات و توسعه کسب و کارها در خارج از مرزهای ایران و دوم در خصوص دریافت سرویس‌های مورد نیاز برای توسعه دامنه خدمات کسب و کارها از شرکت‌های خارجی. در هر دو صورت با توجه به تحریم بودن ایران، کارها به سختی انجام می‌شود. برای دریافت ساده‌ترین خدمات یا انتقال پول در اولین گام به علت تحریم با مشکل مواجه می‌شویم و این موضوع به طور کلی تمرکز برای ارائه نوآوری‌های جالبی که از استارت‌آپ‌ها توقع داریم را به جنگ برای بقا تبدیل می‌کند. زمانی هم که درگیر بقا می‌شویم به دنبال توسعه نمی‌رویم، فقط درگیر روزمرگی و جنگ برای بقا می‌شویم، شاید نهایتاً در مدل ارائه خدمات بتوانیم نوآوری‌های کوچکی ایجاد کنیم، همین!

غیر از مشکلات زیرساختی و تحریم، مشکلات همیشگی مانند فیلترینگ، مسایل مالیاتی و بیمه‌ای هم داریم که حتی اجازه تنفس به کسب و کارهای آنلاین نمی‌دهد و دست و پای استارت‌آپ‌ها را برای نوآوری بسته است. سال‌هاست این موضوع مطرح شده و متأسفانه هیچ بهبود محسوسی ایجاد نمی‌شود. باید این نکته را هم مدنظر داشته باشیم که رقابتی بین‌المللی خاصی نداریم. برای مثال زمانی که کاربران می‌توانند در بحث پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی از اپلیکیشن‌هایی مانند اینستاگرام و واتس‌آپ استفاده کنند که هم کیفیت و هم به تصور کاربران، امنیت بالاتری دارد، طبیعتاً نمونه‌های داخلی استفاده نمی‌کنند. در این شرایط شرکت‌های فعال داخلی سهمی از بازار نخواهند داشت، مگر به اجبار و با ایجاد انحصار. در بازار کسب و کارهای آنلاین هم همین‌طور است. حضور بازیگران قوی منجر به بهبود بازار خواهد شد.

وی در مورد بی‌اعتمادی حاکم بر خرید و فروش مجازی گفت: من موافق نیستم که در این بازار بی‌اعتمادی بین خریدار و فروشنده وجود دارد، چون وقتی به حجم تراکنش‌ها توجه می‌کنیم درصد بسیار ناچیزی از آن را شکایات دربر می‌گیرد. برخی اوقات به خصوص در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم که کالای ارسالی و کالای انتخابی را نقد می‌کنند. جدا از مواردی که واقعا تخلف صورت گرفته یا تعمداً در ارائه اطلاعات اشتباه بوده، موارد دیگری نیز می‌تواند باعث گمراهی ناخواسته شود. مثلاً بعضی وقت‌ها، کالا همان کالایی است که در زمان سفارش انتخاب می‌شود ولی عکسی که در سایت آن فروشگاه آنلاین وجود دارد با کیفیت خیلی بالا و در آتلیه گرفته شده و روی آن بهینه‌سازی‌های مرسوم در عکاسی را انجام داده‌اند. ولی بعد که به دست خریدار می‌رسد، فکر می‌کند این کالا، آن که انتخاب کرده نیست، در حالی که فقط کیفیت عکاسی باعث گمراهی خریدار شده است.



سفارش‌هایی که روزانه از طریق فروشگاه‌های اینترنتی برای مشتریان ارسال می‌شود با یک تخمین، عددی نزدیک به ۱۰۰ هزار سفارش است. زمانی هم که به تعداد سفارش‌ها در فروشگاه‌های اینستاگرامی و تلگرامی نگاه می‌کنیم به عددی نزدیک به ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار سفارش در روز می‌رسیم. اگر بخواهیم این تعداد سفارش را با سفارش‌هایی که مشتری از آن رضایت ندارد مقایسه کنیم، عملاً درصد کمی از کل را شامل می‌شود و اختلاف زیادی با استاندارد جهانی ندارد.

از طرف دیگر، به علت افزایش نرخ ارز، کالاهای بی‌کیفیت در بازار بیشتر شده‌اند. در حال حاضر ذهنیت مشتری ایرانی با دلار ۲۵ و یوروی ۳۰ هزار تومانی همخوانی ندارد. شرایط تحریم و این که در بازار ایران واردات اجناس با کیفیت انجام نمی‌شود باعث می‌شود تا مشتری رضایتی از کالای انتخابی نداشته باشد.

پورپزشک در مورد کلاهبرداری‌های اینترنتی گفت: وجود سایت‌ها و صفحه‌های فیشینگ ذاتاً مشکل‌ساز است، هر چند که ناچیز باشد. با توجه به گستردگی کسب و کارهای آنلاین، اطلاع‌رسانی و آموزش در این موارد یک امر ضروری محسوب می‌شود تا مشکلات به حداقل برسد. فیشینگ‌ها بیشتر در حوزه خدمات روزمره و در دسترس مانند فروش شارژ سیم کارت فعال هستند و از ناآگاهی و طمع مشتریان سوءاستفاده می‌کنند. به طور مثال یک تبلیغ دریافت شارژ با ۵۰ درصد تخفیف برای شما ارسال می‌شود، زمانی که وارد لینک مورد نظر می‌شوید و اطلاعات بانکی خود را وارد می‌کنید تا شارژ را با تخفیف دریافت کنید، به شما خطا می‌دهد و در عمل حساب بانکی شما را خالی می‌کنند.

این مسأله می‌تواند در سایر بخش‌ها هم اتفاق بیفتد و مهم‌ترین راه کار پیشگیری از آن، آگاهی‌سازی برای عموم مردم است. وی در خصوص وضعیت فروش و پیش‌فروش خودرو در فضای مجازی افزود: در همه کشورهای جهان، امکانات زیادی از جمله وام بدون بهره و تنوع در انتخاب، پیش‌روی خریدار قرار می‌دهند تا یک خودرو خریداری کند، اما در ایران ما قیف را برعکس کرده‌ایم. مشتری باید بخشی از پول را چندماه جلوتر پرداخت کند، تازه در صف عریض و طویل ثبت‌نام هم بماند.

خودروسازان ایرانی اجناس و مواد اولیه خود را با ارز دولتی می‌خرند اما خودرو را با نرخ آزاد می‌فروشند. با توجه به این که خودرو و خانه در ایران از حالت مصرفی به سرمایه‌ای تغییر ماهیت داده‌اند، طبیعتاً نظام عرضه و تقاضا هم به مشکل می‌خورد. می‌خواهند این مدل عرضه و تقاضا را که نوعی از فساد در زنجیره توزیع آن وجود دارد و بازدهی خاصی هم ندارد، با فرایندی به اسم پیش‌فروش و قرعه‌کشی آنلاین تزئین کنند تا عادلانه به نظر برسد. قانون‌هایی هم برای خودشان می‌گذارند؛ مثلاً این که خریدار خودرو نداشته و گواهینامه داشته باشد.

در حقیقت مشکل از ماهیت این بازار است؛ بازاری بسته که رقابتی در آن وجود ندارد. فضای دلالتی را هم خودمان با این قوانین عجیب و غریب به وجود می‌آوریم. به این صورت که شخصی را که گواهی‌نامه دارد و در چند سال اخیر هم خودرو نخریده، پیدا با مشخصات او ثبت نام می‌کنند. اما در پس ماجرا یک شبکه دلالتی گسترده وجود دارد. اگر این مشکلات را فساد ندانیم، می‌توانیم بگوییم هوشمند نشدن شبکه توزیع خودرو سازی مشکل دارد.

پورپزشک در خصوص پرداخت در محل (COD) اضافه کرد: فروشگاه‌های اینترنتی در حال حاضر تمایل دارند تا پرداخت در محل داشته باشند اما باید مشکلاتی که در زمینه لجستیک، حمل و نقل و پرداخت وجود دارد تاحدی رفع شود. البته برخی شرکت‌ها اخیراً با این حوزه وارد و فضا برای کسب و کارهای آنلاین سهل‌تر شده است.

گردش نقدینگی و فرایند تسویه در موضوع پرداخت در محل، یکی از مشکلات اساسی است. برخی اوقات مبلغی که در محل به وسیله دستگاه کارت‌خوان گرفته می‌شود ۲۰ تا ۳۰ روز در چرخه تسویه حساب می‌ماند.

اگر آن فروشگاه یک فروشگاه بزرگ اینترنتی باشد، این مشکل باعث می‌شود به سرمایه در گردش قابل توجهی نیاز داشته باشد ولی اگر آن فروشگاه کوچک باشد مثل فروشگاه‌های اینستاگرامی یا تلگرامی، فروشنده تحمل ندارد که یک‌ماه بعد به پولش برسد. اگر هم بخواهد با شرکت پست قرارداد ببندد با توجه به قوانین دست و پاگیر، عملاً امکان این کار وجود ندارد.

پورپزشک در خصوص خرید و فروش برخی از اجناس که نیاز به خرید حضوری دارد گفت: این مشکل در خرید برخی کالاها مانند عطر و ادکلن، پوشاک و حتی کفش وجود داشت. اما در سال‌های اخیر مشتریان خودشان را با فروشنده‌گان آنلاین همراه کرده‌اند. به طور مثال اگر در انتخاب سایز یک کفش مردد هستند، دو شماره از آن را سفارش می‌دهند، بعد یکی از آن‌ها را پس می‌فرستند. یا در خرید پوشاک، سایت‌ها سایز مورد نظر را با اندازه‌های عرضی و طولی لباس معرفی می‌کنند. در خصوص خرید لوازم آرایشی و بهداشتی، مشتریان معمولاً برند خودشان را می‌دانند و همان را انتخاب می‌کنند.

در کل اگر ما بتوانیم محتوای درستی در سایت یا صفحه خودمان قرار دهیم و کالا را به خوبی معرفی کنیم می‌توانیم حتی کالاهایی را که فروش سختی دارند راحت‌تر به فروش برسانیم.

این کارشناس خرید و فروش آنلاین در خصوص زمان تحویل کالا و استرداد پول به مشتری گفت: برای ارسال سریع کالا، زیرساخت مناسبی نداریم. مشتری‌ها باید این آموزش را ببینند که وقتی می‌خواهند یک کالا در زمان کمتری به دستشان برسد الزاماً باید هزینه بیشتری هم پرداخت کنند. در غیر این صورت کالا با همان سیستم پستی عادی ارسال می‌شود و زمان بیشتری برای تحویل آن لازم است.

همچنین در فروشگاه‌های اینترنتی طبق قانون کسب و کار، مشتری می‌تواند تا هفت‌روز کالای خود را پس بفرستد. برخی از مردم فکر می‌کنند یک فروشگاه اینترنتی با گردش مالی کالاهایی که برای آن پس فرستاده می‌شود کار می‌کند اما این واقعیت ندارد و مشکل همان ضعف زیرساخت‌هاست.





## شبکه نامرئی برای بودن



• عماد فرح نیا

فیلم به شکل هوشمندانه‌ای با دو خط زمانی روایت می‌شود اما فینچر آن قدر پاکیزه و خوب کار کرده که هیچ گیجی و پیچیدگی در روایت این دو زمان به چشم نمی‌خورد.

یک زمان، مربوط به گذشته است که به سمت دادگاه سه جانبه شکایت از زاکربرگ و فیس‌بوک حرکت می‌کند و زمان دیگر، وقایع مربوط به بررسی شکایت شاکیان از زاکربرگ است. این دو زمان فقط در پایان فیلم یکی می‌شوند و با پایان رسمی و پرداخت خسارت توسط زاکربرگ که حالا دیگر یک بلیونر شده است پایان می‌یابد.

ادواردو در زمانی که فیس‌بوک در آغاز شکوفایی است مدام برای ایجاد پشتوانه مالی تلاش می‌کند اما با ورود «شان پارکر» و تغییر مسیر فیس‌بوک و انتقال به کالیفرنیا، ادواردو دور می‌خورد و در سکانسی که به‌خاطر تعداد برداشته‌ها بیش از ۶۵ لپ‌تاپ در آن شکسته شده تا یک فرآیند حسی مهم نشان داده شود، ادواردو با خشم درحالی که چشمانش خیس اشک شده، به زاکربرگ می‌گوید: «دیگه برای سی درصد نه، که برای همه‌ش می‌آم سراغت!» اما درد او تأثیرپذیری دوست قدیمی‌اش از شان پارکر، شارلاتان بی‌اصول و منفعت‌طلب است، کسی که اندکی بعد در حین مصرف مواد بازداشت می‌شود و مسیر او نیز تغییر می‌کند.

فیس‌بوک در زمان ساخت فیلم حتی یک‌پنجم گستردگی امروز را نداشت و با این حال پرکاربردترین شبکه اجتماعی جهان بود. این که فیلم قرار بوده گاه‌شمار زندگی زاکربرگ باشد را از همان ابتدا باید رد کرد، حتی قرار بر روایت بی‌نقص از مناسبات او هم نبوده. شبکه اجتماعی، درپچه‌ای به داستان ساده پیچیده‌ترین رخدادهاست؛ ردپای غریزه و خواست‌های بسیار ابتدایی ما در جهان الکترونیکی.

این که میلیون‌ها نفر فقط در ایران، ساعت‌ها و ساعت‌ها در اینستاگرام، یوتیوب و... چرخ می‌زنند و نرد دوست داشتن می‌بازند و خرید می‌کنند و از سیاست می‌گویند، واگویه یک داستان مکرر است از نیاز انسان به گفت و شنود که از کنترل خود او خارج شده است. ولی این را چندان جدی نمی‌گیریم، چون خوشایندی این زندگی الکترونیکی به شکلی است که به ما این احساس را می‌بخشد که اوضاع را کاملاً تحت کنترل داریم و از همین گوشه خلوت امورمان را اداره می‌کنیم.

در فیلم جایی هست که شان پارکر برای اولین بار در کامپیوتر دوست‌دخترش فیس‌بوک را دیده و از دختر در مورد آن می‌پرسد. او می‌گوید: «تازه اومده تو دانشگاه ما و همه بچه‌ها عضو شدن و به طرز عجیبی اعتیاد آورده!» این پدیده نوین زندگی ماست، درحالی که درست کمتر از یک قرن قبل، حتی در پایتخت ایران و مرفه‌ترین نقاط آن چیزی به اسم لایم و نیروی الکتریسته نبود و زندگی عملاً از آغاز شب فقط درون خانه امکان داشت؛ حتی در سال ۱۳۲۲، نماینده رئیس‌جمهور روزولت در ایران به محمدرضاشاه در مورد وضعیت وحشتناک آب شرب تهران و اهمیت آب سالم و لوله‌کشی می‌گوید. اکنون اهالی همان شهر، حیات بی‌وقفه شبکه اجتماعی

جهان و بورس نزدک و سهام وال استریت و آخرین خبرها و لایوهای بازیگران هالیوود را به‌صورت آنلاین مشاهده و ناگزیر مقایسه می‌کنند! امروز این شبکه الکترونیکی بی‌وقفه و بدون مرز، نوع زندگی و چگونگی آن را تغییر داده و عقب کشیدن هم در مورد آن معنی ندارد.

شبکه اجتماعی دیوید فینچر، یک نقطه قوت قطعی نیز دارد و آن فیلمنامه دقیق و موجز است و زمانی به نسبت کوتاه، حضور پررنگ دیالوگ و کلمه، لوکشین‌های کم تعداد، شتاب وقایع و در نتیجه حضور بسیار کم‌رنگ موسیقی در اثری با این مشخصات.

تمام بازیگران جوان و نواخته فیلم به انتخاب فینچر، مثل آیزنبرگ، گارفیلد، رونی مارا و ارمی همر به‌سرعت به شهرت رسیدند و این در نوع خود کمتر نظیر دارد. آیزنبرگ هم غرامتی پرداخت که حتی یک‌دهم از ثروت عظیم آن روزش نبود و ادواردو مجدداً به‌نام مؤسسان فیس‌بوک اضافه شد.

داستان شبکه اجتماعی فینچر بسته شد اما شبکه‌های اجتماعی هنوز در آغاز رهند و انسان هم در گستره عظیم جهان سیگنال‌ها و داده‌ها در میانه راه، اما فراموش نکنیم ما به‌سراغ فن‌آوری و تکنولوژی رفتیم که ثمره بخشی از جهان دانش بود اما تصور می‌کردیم محال است توانیم حدود و گستره آن چه را که خود ساخته‌ایم کنترل کنیم. ما از تکنولوژی یک خدمت‌گزار برای زندگی و از الکترونیک، آسودگی بیشتر خواسته بودیم اما به گمانه مثل همیشه تاریخ، بشر خوش‌خیالی به‌خرج داد. برده‌ای برای خدمت می‌خواست، اما گاهی بردگان هم اسپارتاکوس می‌شوند!

آلبرایت مثل بقیه آدم‌ها حرف می‌زند و از جذابیت‌های کابوی‌ها و قایق‌ران‌ها در ذهن دخترها می‌گوید، اما حرف زدن زاکربرگ، جملات درهم تنیده و حرف‌های منقطع و پاره‌پاره‌ای است از موضوعاتی که فقط در ذهن خودش معنی دارند.

این مکالمه همان‌جا به پایان رابطه آن دو ختم می‌شود و زاکربرگ که از دید آلبرایت یک عوضی است، به خوابگاه برمی‌گردد و در پریشان‌حالی مشغول ساختن یک برنامه می‌شود که کاربرانش چهره دخترهای دانشکده را در اینترنت مقایسه کرده و به هر کدام رأی بدهند؛ کاری که با هجو و مسخرگی توأم است.

این آغاز پرکاربردترین و گسترده‌ترین شبکه اجتماعی جهان است با ارزشی معادل تقریباً ۹۷ میلیارد دلار تا امروز. اما چطور؟

زاکربرگ باهوش است و در عین حال که هوش هیجانی بالایی دارد، دانشجوی باعلاقه نرم‌افزار هم هست. او در یک جمله کلیدی در فیلم می‌گوید: «همه آدم‌ها می‌خوان بیان تو فیس‌بوک تا با هم آشنا بشن، با علائق هم، با برنامه‌های هم... نهایتاً همه‌ش برای اینکه که بفهمن کی تنهاست و کی در رابطه با دیگری. چون می‌خوان با هم دوست بشن.» این دومین در زندگی اجتماعی از یک‌روز و لحظه مشخص آغاز نشده و قطعاً هرگز هم پایان نخواهد گرفت اما یک حقیقت مغفول در دل حیات این شبکه اجتماعی نهفته است: این که انسان در یک سیاره با جمعیتی نزدیک به هفت میلیارد نفر، از لحاظ ذهنی به موجودی تنها و ناگزیر تبدیل و یک شبکه عظیم از تارهای نامرئی در فضای پیرامون او گسترده شده است، درست مثل تارهای کهنه و فشرده شده عنکبوت در کنج چوبی کلبه. پس در دنیایی که حضور و تأثیر در آن ولدت و شهرت او به‌شدت با این شبکه اجتماعی وابسته است دست به انتخاب می‌زند. انتخاب یک زندگی با لذت بیش‌تر و اندوه کمتر. البته این بخش غریزی اوست، لیکن غریزه‌ای که



با مسأله‌ای کاملاً نوپا مواجه است و حتی میزان ثروت او نیز تحت‌الشعاع این حیات الکترونیکی و گستره شبکه قرار می‌گیرد؛ خانواده کارداشیان، مصداق بارزی از هویت منوط به گستره شبکه هستند با ثروتی افسانه‌ای و فقط به‌واسطه دیده شدن در دنیای شبکه، آن هم با نقطه شروعی وقیحانه و مبتذل.

فینچر بنا نداشته که قضاوت اخلاقی در مورد شخص زاکربرگ و حتی شبکه اجتماعی به‌نام فیس‌بوک انجام بدهد. او داستان عظیمی را دقیقاً در دو ساعت روایت کرده و بدون اضافه و اغراق، سعی در ارائه یک تصویر پرسرعت از این جریان پرشتاب دارد. این دقت و تسلط نویسنده اثر است.

زاکربرگ هم‌زمان با این ایده اولیه، با پیشنهاد دیگری از تیم هاروارد کانکشن توسط برادران دوقلویی که به‌خاطر ثروت پدرشان به هاروارد آمده‌اند مواجه می‌شود، هفته‌های متمادی، ایده آن‌ها را رد خفا می‌پرورد و به‌سرعت هر چه تمام‌تر آن را کامل می‌کند، ایده‌ای که فیس‌بوک نام دارد. او در این راستا از دوست و هم‌کلاسی‌اش، ادواردو ساورین با بازی اندرو گارفیلد، کمک و حتی حمایت کامل مالی می‌گیرد و ایده اجرایی می‌شود. ادواردو در جریان فیلم مشخصاً تنها کسی است یک دوست حقیقی برای اوست و برخلاف تمام کسانی که به‌تحتوی در جستجوی شهرت و ثروت هستند، در راستای دوستی صرف با زاکربرگ همراه او می‌شود. هر چند ساورین امروز نیز شهرت و ثروتی عظیم دارد اما معامله زاکربرگ و پارکر با بازی جاستین تیمبرلیک، یک تراژدی تلخ در فیلم است، چون عملاً صداقت ادواردو عامل بزرگ رو دست خوردن او می‌شود.

اگر این امکان برایمان وجود داشت که به گذشته‌های دور برویم و مردان بدوی که با نهایت سختی مشغول ساختن یک چرخ بودند یا تلاش عظیم آدم‌ها برای نگهداری گوشت شکار و میوه‌ها را می‌دیدیم، بعد برحسب اتفاق به یکی از آن‌ها می‌گفتیم در آینده با چه چیزهایی مواجه شده‌ایم، چگونه و چطور به ما عکس‌العمل نشان می‌داد؟!

اگر می‌گفتیم در دوران خودمان نه‌تنها دیگر مشکلی برای حفظ و نگهداری غذا نداریم و نه‌تنها دغدغه اغلب انسان‌ها مواجهه با خرس و مار و پلنگ نیست بلکه حتی بسیاری از انسان‌ها هیچ کدام از این موجودات را از نزدیک نخواهند دید، دیگر کمتر کسی از آبله می‌میرد و تراخم و سالتک و کچلی دغدغه مردم شهرهای بزرگ نیست اما مسیری که برای رسیدن به دانش و فن‌آوری پیموده‌ایم بزرگ‌ترین دغدغه هزاره سوم شده است، در تصور آن مردان و زنان گذشته‌های دور و حتی نزدیک چه می‌گذشت؟

هزاره سوم میلادی در حالی آغاز شد که بشر با مسائل بزرگی روبه‌رو بود و درست یک قرن قبل، در آغاز قرن بیستم، بسیار خوشبینانه‌تر به اوضاع نگاه می‌کرد و آن مسائل را حتی به تخیل هم در نمی‌یافت.

در سال ۱۹۰۰ این تصور در تمام اروپای غربی و ایالات متحده وجود داشت که تکلیف همه‌چیز روشن شده و تنها موضوع باقی‌مانده، کمی زمان است تا این اندک مشکلات پیش رو هم از سر راه برداشته شود و انسان شاهد سعادت را تنگ در آغوش بگیرد و زندگی کند، اما این طور نشد.

حیات الکترونیکی که بخش لاینفک مسأله تکنولوژی بود، به‌شکلی غیرقابل اجتناب گسترده شد و این پیامد قطعی جنبشی بود که از قرن شانزدهم میلادی آغاز شده بود. بنا بود تا اسرار جهان را کشف کنیم و طبیعت را کاملاً تحت فرمان درآوریم، این دقیقاً همان اصل اساسی فرانسیس بیکن بود.

کار ما بر این سیاره فیروزه‌ای رنگ هرگز ساده نبود ولی همواره ساده‌لوحانه به آن نگاه شد و ساده در نظر گرفته شد. در طول تاریخ، شناخت و ارتباطات آدم‌ها همواره از طریق حضوری معنا می‌یافت. آن‌ها از طریق زبان و در محیط زیست خودشان، شناخته می‌شدند و می‌شناختند. حتی در نیمه قرن بیستم که کلان‌شهرها و مگاپولیس‌های بزرگ پا گرفته بودند، باز هم جز تلفن و تلگراف که جزئی از حیات فیزیکی انسان بودند، چیزی به‌نام شبکه‌ای غیرفیزیکی یا جهان الکترونیکی از اساس معنا نداشت.

اما به‌راستی زندگی الکترونیکی چیست و چه اثر سینمایی را می‌توانیم برای ورود به این گستره مورد بررسی قرار بدهیم؟ در سال ۲۰۱۰ دیوید فینچر، کارگردان پرآوازه آمریکایی

که آثاری سترگ مثل بازی، هفت و باشگاه مشت‌زنی را تا آن سال در کارنامه داشت، به‌سراغ موضوع و شخصیتی رفت که بسیار دور از انتظار بود؛ فیس‌بوک و نامی که بیش از همه با آن گره خورده، مارک زاکربرگ. فیس‌بوک یک آینه است، یک آینه از وضعیت عمومی بشر، چیزی که در بدو امر راحت از آن گذر می‌کنیم. زاکربرگ در زمانی که امپراتوری رسانه‌ای در اوج کار خود و زندگی الکترونیکی در دوران جوانی خود قرار داشت، در هاروارد مشغول تحصیل بود.

دانشگاه هاروارد، پیشینه و جایگاهی دارد که کمتر مرکز دانشگاهی در جهان را می‌توان با آن مقایسه کرد. این دانشگاه چهارصدساله تا امروز اجازه نداده است هیچ کارگردانی از آن به‌عنوان لوکیشن فیلم استفاده کند. این یکی از جالب‌ترین تناقضات در نوع خود است؛ دانشگاهی در قلب جهان مدرن اما متکی به سنت. فینچر به خاطر همین از مشاوره دانشجویانی مثل ناتالی پورتمن که دانشجوی هاروارد بوده استفاده کرد.

سکانس ورود به فیلم از فضای یک گفتگو روایت می‌شود، گفتگوی بین جسی آیزنبرگ در نقش زاکربرگ و رونی مارا در نقش اریکا آلبرایت، دوست‌دختر او که استثنائاً تنها شخصیت غیرحقیقی داستان است.

این گفتگوی بسیار کوتاه قطعاً یکی از بهترین و دقیق‌ترین پردازش‌ها از دو جهان متفاوت است و آغاز داستان فیس‌بوک. زاکربرگ یک آدم غیرعادی است و آلبرایت یک دختر عادی دانشجوی هاروارد که ذهنش با مسائلی مثل بقیه سروکار دارد.



## قبل از اینترنت چه کاری کردی؟



لیا مک‌لارن

چیزی نمانده تا زمانی که هیچ‌کس روی زمین یادش نیاید دنیا پیش از اینترنت چه شکلی بود. آن‌هایی که اواخر دهه ۱۹۷۰ به دنیا آمدند، آخرین نسلی‌اند که بدون اینترنت بزرگ شدند. جامعه‌شناسان به آن‌ها «وایسین معصومان» یا «مهاجران دیجیتال» می‌گویند. آن «معصومیت» از دست‌رفته، اگر اصلاً معصومیتی در کار بوده، چه بود؟ یک نویسنده و گزارشگر کانادایی به ایامی می‌اندیشد که ذهنمان اجازه سرگردانی داشت.

در ایامی که دچار اضطراب دیجیتال می‌شوم، می‌بینم که یاد می‌پذیرم افتاده‌ام. بیا در دهه ۱۹۸۰ فروشنده دوره‌گرد میلان بود. آن سال‌ها شغلش هم خوب بود تا رسید به جهانی‌سازی که بخش تولید کانادا را از پا انداخت. زیاد به دل جاده می‌زد، ولی وقتی در خانه کار می‌کرد در دفترش می‌نشست: یک اتاق مطالعه کوچک و بی‌پنجره که یک میز بزرگ از جنس چوب ساج در آن حکومت می‌کرد. چیز زیادی رویش نبود: تکه پارچه‌های سنتزی میل، یک لیوان پُر از قلم، یک چراغ، یک تلفن و یک زیرسیگاری. با این حال بابا هر روز چند ساعت آن‌جا بود، یادداشت می‌کرد، سیگار کروان‌آمی کشید، قهوه می‌خورد و دائم چانه‌اش گرم صحبت با خرده‌فروش‌های شهر کجا دربارۀ ارسال نیمکت‌های چندتکه و سرویس میل ناهارخوری بود. همین برایم شگفت‌انگیز است. این که پدرم، مثل اکثر شاغلان نسل خودش و نسل‌های قبل‌تر، می‌توانست تقریباً فقط با یک تلفن و یک بسته کاغذ درآمدی داشته باشد و معاش خانواده را بگذراند. همین که یاد می‌زم می‌افتم که چقدر خالی بود، احساس سرگشتگی و تنهایی می‌کنم. برایم سؤال است که چطور تمام روز آن‌جا می‌نشست، بی‌آن که اینترنت یار و همدمش باشد؟

در این عصر آکنده از تردید، پیش‌بینی‌ها بی‌ارزش شده‌اند. ولی یک پیش‌بینی انکارناپذیر هم هست: چیزی نمانده تا زمانی که هیچ‌کس روی زمین یادش نیاید دنیا پیش از اینترنت چه شکلی بود. صدا البته سواپش خواهد ماند، که در باستانی‌های نامحدود و ناملموس ابری ذخیره خواهد شد ولی تجربه زیسته واقعی در کار نخواهد بود که بگوید پیش از ظهور کلان‌داده، اندیشیدن و حس کردن و انسان بودن چه شکلی داشت. وقتی که این اتفاق بیفتد، چه چیز از دستانم می‌رود؟

اوایل امسال به ویلمسلو، از حومه‌های منطقه منچستر، سفر کردم تا با الیزابت دنهام مصاحبه کنم. او کمیسیونر اطلاع‌رسانی انگلستان است که می‌شود گفت توانا ترین رگولاتور داده روی سیاره زمین است. بحثمان گسترده بود، اما یکی از پروژه‌های آن نهاد که شوق او را برمی‌انگیخت «آیین‌نامه طراحی متناسب با سن» یا به طور خلاصه «آیین‌نامه کودکان» بود که مرحله مشاوره عمومی را می‌گذراند. این آیین‌نامه جدید که در امتداد «قانون حفاظت از داده‌ها» است که در سال ۲۰۱۸ به تصویب رسید، طی چند ماه توسط یک گروه رؤیایی از حامیان رفاه دیجیتال کودکان تدوین شد. بین کردن (بانوی فیلم‌ساز عضو مجلس اعیان)، آنه لانگفیلد (کمیسیونر کودکان) و مارگات جیمز (وزیر وقت صنایع دیجیتال و خلاقه) عضو این گروه بودند.

این آیین‌نامه، عرصه دیجیتال را برای کودکان بریتانیایی از بیخ و بن متحول خواهد کرد. استانداردهای آن مثلاً محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای برای محتوا و طراحی اپ‌ها، بازی‌ها و پلت‌فرم‌هایی که کم‌سالان را هدف می‌گیرند، وضع می‌کنند.

تفحص و ممنوعیت شامل حال فناوری‌های رایجی می‌شود که از طریق الگوریتم‌ها یا سیستم‌های پاداش‌دهی متناوب که برای جلب و حفظ توجه کودکان طراحی شده‌اند، به سقلمه‌زنی و دست‌کاری ذهنی آن‌ها می‌پردازند. در مقابل، این بار بر دوش شرکت‌های فناوری‌ساز است که ثابت کنند در هر محصول یا پلت‌فرمی که بازار جوانان را هدف می‌گیرد، «مصلحت کودک به عنوان ملاحظه اصلی» رعایت شده است.

به دنهام گفتم در دوران رشد اصلاً خبری از اینترنت نبود. من اولین ایمیل عمرم را در اولین روز اولین سال دانشگاهم در سال ۱۹۹۴

فرستادم. چشم‌هایش برق زد و گفت: «آها! پس تو یکی از وایسین معصومانی!»

منظورش این بود که جماعت همسال من (تقریباً آن‌هایی که از اواسط تا اواخر دهه ۱۹۷۰ به دنیا آمده‌اند) آخرین نسل انسان‌های روی کره زمین هستند که پیش از رایج شدن فرهنگ دیجیتال بزرگ شده‌اند. یک نام دیگر که مایکل هریس (نویسنده ساکن ونکوور) در کتاب «پایان غیبت» روی ما گذاشت، «مهاجران دیجیتال» است: آن‌هایی که در هر دو حال «با و بدون اتصال شلوغ حیات آنلاین» زیسته‌اند.

آیین‌نامه کودکان دنهام یک قانون متهورانه است: این مجموعه جدید و کاملاً متفاوت از قوانین، به‌جای سیرک پر آشوب فعلی از محتوای نظارت‌نشده و منافع مشکوک شرکت‌ها که مشخصه وضع فعلی اینترنت است، تصویری دوباره از اینترنت به مثابه «بهشت خلایق و دانش برای کودکان» رسم می‌کنند.



خوش‌بینی و بلندپروازی جسورانه این پروژه، پرسشی پیش می‌آورد که به ذهن نیامد تا این که سوار قطار برگشت از ویلمسلو شده بودم: آیا می‌شود معصومیت از دست‌رفته را پس گرفت؟

تا چند هفته پس از ملاقات دنهام، ایده مهاجرت دیجیتال و معنایش برای نسل من دست از سرم بر نمی‌داشت. همیشه گمان می‌کردم متصل نبودن در دوره کودکی، مانعی سر راهم بوده است: همین هم روشن می‌کند که چرا نمی‌توانم از کنترل تلویزیون هوشمند یا تنظیم ترموستات دیجیتال سر در بیاورم. مثل اکثر بچه‌ها، روزهای بی‌کاری تابستان را در باغچه پرسه می‌زدم تا ببینم هر ابر شبیه چه

چهره‌ای است، ولی کودکی‌ام (مثل اکثر بچه‌های دهه ۱۹۸۰) سرشار از زبانه فرهنگی هم بود. مدتی که من جلوی صفحه نمایش گر می‌گذراندم به مراتب بیش‌تر از بچه‌های خودم بود. اکثر وقتم هم به تماشای پخش دوباره سریال‌های کمدی افشاح می‌گذشت یا آن‌قدر روی کومودور ۶۴ یکم بازی می‌کردم که ذهنم کرخت می‌شد، تا مادرم، زن خانه‌داری که کمک کار هم نداشت، بتواند غذای بعدی را بپزد و سر سفره بگذارد. لابد زیاده‌روی در تماشای فیلم‌های پیکسار و پیچیدگی‌های معماری ماین کرافت که امروز رایجند، به مراتب برای گذراندن یک روز بارانی بهتر است؛ مگر نه؟

شروع به تحقیق کردم که مشخصه نسل من چه بود؟ آن «معصومیت» از دست‌رفته، اگر اصلاً معصومیتی در کار بوده، چه بود؟ بعد غافلگیر شدم که فهمیدم بسیاری از عصب‌شناسان، روان‌شناسان فضای سایبری و اخلاق‌شناسان فناوری که زندگیشان را وقف بررسی دلالت‌ها و پیامدهای فرهنگی و اخلاقی انقلاب دیجیتال کرده‌اند، معتقدند نسل من و خاطره آن گذشته مشابه جمعیمان ویژگی خاصی دارد.

نه این که مهاجران دیجیتال باهوش‌تر یا مستعدتر از نسل بومیان دیجیتال باشند که پس از ما آمده‌اند. گویا ما از این جهت منحصر به فردیم که وایسین نمونه‌های یک گونه روبه‌انقض هستیم و لذا آخرین منابع

حی و حاضر از یک پهنه تجربه بشری هستیم که چیزی نمانده از دست برود: ساعت‌های کِش‌دار بی‌مایه و روزهای بی‌فایده.

«ترجیح می‌دهی کدامش باشی: بسیار فقیر با دوستان فراوان، یا بسیار ثروتمند بدون دوست؟» همین اواخر، پسر خوانده یازده‌ساله‌ام بی‌مقدمه این سؤال را از من پرسید. جوابش برای من ساده بود. گفتم: «فقیر با دوستان. در درازمدت، تنهایی بدتر از فقر است.»

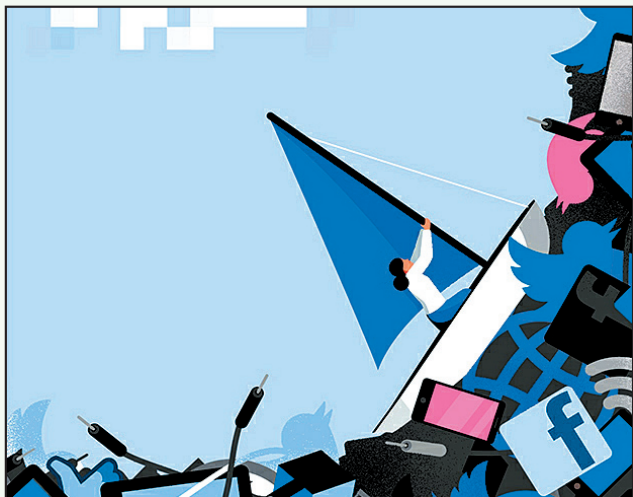
پسر خوانده‌ام مخالف بود: «وووو... ثروتمند بدون دوست. در عمارتم می‌مانم و فوریت‌نایت بازی می‌کنم و یوتیوب می‌بینم و با آدم‌های آنلاین معاشرت می‌کنم.»

او در جمع همسالانش پسر محبوبی است و حلقه‌ای از رفقای پسر صمیمی دارد که از آغاز مدرسه با هم دوست بوده‌اند. وقتی قرار شد تصمیم بگیرند که می‌خواهند با هم یک فیلم ببینند یا دو ساعت فوریت‌نایت بازی کنند و از راه دور با واسطه هدست‌ها با هم در تماس باشند، بی‌درنگ دومی را انتخاب کردند. علتش این است که برای بومیان دیجیتال مثل پسر خوانده من و رفقای، معاشرت آنلاین مشابه (و گاهی بهتر از) معاشرت رودرروست.

برای تولد یازده‌سالگی‌اش اولین تلفن هوشمندش را به او دادیم که انگار کلیدهای دروازه‌ای جادویی به سوی یک جهان موازی آرمانی بود. به یک معنا هم لابد همین کار را کردیم. چون در آغاز دوره بلوغ، دلخوشی به او دادیم که برای معصومانی مثل من و همسر در دوران نوجوانیمان، دورانی که از دیگران فاصله داشتیم، در کار نبود: حس دائم با دوستان بودن، فقدان تنهایی.

سال‌هاست بحث علمی می‌شود که آیا استفاده مداوم از اینترنت، اثر زیان‌باری بر کارکرد مغز انسان (به‌ویژه مغزهای در حال رشد کودکان) دارد یا نه. بحث بی‌پایان «مدت‌زمان صفحه» از قدیم بیشتر مبتنی بر گمانه‌زنی و کمتر بر اساس داده‌های استوار بوده است. اما بهار امسال نتایج یک مطالعه فراگیر بین‌المللی در ژورنال معتبر بین‌المللی «ورلد سایکاتری» منتشر شد که شاید ورق را به نفع شکاکان به فناوری دیجیتال برگرداند. یک تیم بین‌المللی از پژوهش‌گران که با دو روش‌شناسی مجزا (تصویربرداری مغز ام‌آرآی و مشاهده رفتاری) روی گروه‌های نمونه وسیعی مطالعه می‌کردند، همگی شواهد قانع‌کننده‌ای یافتند که استفاده طولانی از اینترنت، تغییرات حاد و پایدار در نواحی خاصی از شناخت ایجاد می‌کند که می‌تواند منعکس‌کننده تغییرات درازمدتی در مغز باشد که بر بازه توجه، حافظه و تعامل‌های اجتماعی اثر می‌گذارد.

دکتر ژوزف فرث، عصب‌شناس متولد منچستر و مدیر این مطالعه، به من گفت به‌نظر می‌رسد مغز انسان معاشرت و اتصال آنلاین را تقریباً شبیه نسخه رودرروی آن تفسیر می‌کند (که خبر خوبی برای آن فوق‌ثروتمندان بی‌دوست‌خانه‌نشین است)، ولی ثابت شده است که سایر کارکردهای شناختی تضعیف می‌شوند.



او گفت مثلاً مغز نسبتاً سریع عادت می‌کند که با اینترنت مثل یک‌نوع بانک حافظه برون‌سپاری شده برخورد کند، که به مرور زمان به کاهش «کارکرد حافظه تعاملی» خودمان منجر می‌شود. این کارکرد همان فرآیندهای مرتبط‌سازی ذهنی است که ذهن پیاده می‌کند تا یک واقعیت یا تصویر ذهنی را جایابی کرده و بردارد.





## بقیه از صفحه ۶

فرت توضیح داد: «مشکل اینترنت این است که به نظر می‌رسد مغزمان سریع‌تر می‌فهمد اینترنت وجود دارد و [کارهای خودش را] برون‌سپاری می‌کند.» اگر می‌شد برای دست‌یابی به اطلاعات به اینترنت هم عین مثلاً کتابخانه ملی بریتانیا تکیه کنیم، ایرادی نداشت. ولی وقتی ناخودآگاه یک فرآیند شناختی پیچیده را به یک دنیای نامطمئن آنلاین برون‌سپاری می‌کنیم که در معرض شیادی منافع سرمایه‌داری و تحریف‌کنندگان است، چه می‌شود؟ او پرسید: «چه بر سر کودکان متولدشده در دنیایی می‌آید که در آن، حافظه تعاملی دیگر اساسا یک کارکرد شناختی [مغز] نباشد؟»

به عقیده جیمز ویلیامز، استراتژیست سابق گوگل که فیلسوف درس خوانده اکسفورد و اخلاق‌شناس عرصه دیجیتال شد، آن پدیده فقدان خلوت که اکنون تجربه‌اش می‌کنیم فقط زوال معصومیت نیست. او در کتاب «از جلوی نورمان کنار بروید» خطر اخلاقی «اقتصاد توجه» فعلی را شرح می‌دهد. در این اقتصاد، ذی‌نفعان سرمایه‌داری در رقابت مداوم با همدیگر می‌خواهند حواسمان را پرت کنند تا سود ببرند. ویلیامز به من گفت که اگر راه‌های بهتری برای تنظیم و تعدیل حواس‌پرتی‌های مضر فناوری‌های عظیم نیابیم، بعید نیست اهداف و ارزش‌های شخصی و جمعیمان را به خطر بیاندازیم یا حتی اراده‌مان نیز به مخاطره بیفتد.

او گفت: «اگر بتوان به یک معنا گفت هر چیز که متوجه آنی آنی، آن‌گاه در این کشمکش بر سر توجهمان آن‌چه به خطر می‌افتد توانایی ما برای تعیین و پی‌گیری آن نوعی از زندگی است که می‌خواهیم داشته باشیم، چه فردی و چه اجتماعی.» او که مثل من در دنیایی بدون اینترنت بزرگ شده، دلواپس آن است که ما همچنان «سرگرمی را با تفریح مخلوط کنیم، که متعاقبا فرصت‌هایمان برای تأمل و درون‌نگری کمتر و کمتر می‌شود.»

اگر تسلیم حواس‌پرتی‌های جنون‌آمیز اقتصاد توجه شویم، خطر بزرگی بومیان دیجیتال مثل بچه‌های من و شما را تهدید می‌کند: تنها ماندن با فکرها و خیال‌ها تجربه مهمی است که شاید از کف آن‌ها برود. قبول، سرگرمی‌هایشان استادانه‌تر از چیزهایی است که ما داشتیم؛ بالاخره مگر آدم عاقلی پیدا می‌شود که به جای سفره پر نعمت و آسمانی نت‌فلیکس، سراغ بازپخش‌های این‌جهانی سریال‌فرندز برود؟ اما چیزی که از دست می‌دهند، آن ساعت‌های خالی، بی‌قرار و کمابیش محزونی است که ما به ابرها زل می‌زدیم و میان درخت‌ها لانه می‌کردیم. صدمالته شوق این چیزها به دلشان نمی‌افتد، چرا که این‌ها را نمی‌شناسند، ولی ما که می‌شناسیم، ما معصومان، مایی که معنای ساعات خالی و ملال را می‌دانیم. چون در همان ساعات بود که ناخواسته خودمان را می‌شناختیم، ساعتی که اکنون از دست رفته‌اند: تخیلاتی بازیگوش و تنبل و سرگردان، بی‌هیچ قید و بندی، در کمال آزادی. و این وضع گرچه گاهی کسالت‌بار و بی‌هیجان می‌شد، اما همه شگفتی‌های دست‌ساز بشر (از جمله خود اینترنت) از همین یک سرچشمه برخاسته‌اند: یک فرد، یک فکر، یک خیال‌بافی.

مایکل هریس در کتاب «پایان غیبت» دقیقاً همین «از دست رفتن فقدان» را می‌کاود. آزمایش‌ها و آزمون‌های او برای پس‌گرفتن خلوت، مرا یاد می‌پدرم می‌اندازد: او توصیه می‌کند که بدون تلفن به یک پیاده‌روی طولانی بروی. بعد از ظهر یک روز را با قلم و کاغذ مشغول نوشتن باشی. بنشین و ۱۵۰ صفحه کتاب را یک‌باره بخوانی. گفتشان ساده است، ولی در عمل به طرز غریبی هولناک و دشوارند.

هریس هم مثل ویلیامز گفت که خودش را بیشتر ناظر منتقد اثرات فناوری می‌داند تا یک آدم ضدفناوری. او اشاره می‌کند که همه اختراعات بشر، حتی آن‌هایی که بی‌خطر یا سودمند می‌شماریم مثل ماشین و کتاب، مغزمان را می‌ربایند و آگاهیمان را مختل می‌کنند. با ظهور کلان‌داده هم خطری تهدیدیمان می‌کند: این که غنای حیات درونی و ذهنیمان را از دست بدهیم.

او گفت: «تجربه کردن فضای خالی، زمینه‌ساز رشد تخیل و اندیشه مستقل می‌شود، یعنی می‌توانی بدون فشار افکار عمومی یا ارزش‌رویات‌ها به ایده‌هایی از آن خودت برسی.»

به علاوه، اتصال مجازی مانع تواناییمان در تماس برقرار کردن و همدلی می‌شود. «وقتی از اتصال اجتماعی با واسطه فناوری اشباع شوی، روزبه‌روز سخت‌تر می‌توانی توجهت را وقف آن‌هایی کنی که واقعا با تو و کنار تو هستند.»

هریس بیش از هر چیز نگران آن است که در آینده، «سم‌زدایی دیجیتال» به‌طور منظم (یعنی دوری گزیدن از فشارهای طاقت‌فرسای اقتصاد توجه) فقط برای عده معدودی از سرآمدان و بهره‌مندان مقدور باشد. در حین صحبت‌هایمان به فرزند هفت‌ساله‌ام فکر می‌کنم که تابستان امسال برای اولین بار با من با هواپیما به اوتاوا می‌آید و سپس شش ساعت با اتوبوس تا منطقه حیات‌وحش در شمال اونتاریو می‌رویم تا در آن‌جا هفت شب کنار سسی بچه دیگر در جادر بخوابد، قایق‌سواری کند و غذاهای یخ‌زده‌ای بخورد که روی آتش هیزم، داغ می‌شوند. نه برق خواهد داشت و نه لوله‌کشی، چه رسد به اینترنت. هزینه‌اش را هم نمی‌گوییم، ولی کافی است بدانید که این روزها را کردن یک بچه در جنگل ارزان تمام نمی‌شود.

«آیین‌نامه طراحی متناسب با سن» اگر به‌درستی پیاده و اجرا شود، شاید بتواند اینترنت را برای چندین نسل آتی از کودکان بریتانیا، به مکانی امن‌تر و ایمن‌تر تبدیل کند. این هم روی کاغذ یک بهبود عظیم حساب می‌شود، ولی حتی تصویر جدیدی که دهنام می‌خواهد از اینترنت بسازد نیز نمی‌تواند آن معصومیت پیشادیتجیتال ما را کاملاً احیا کند. هر قدر هم قانون وضع شود، آن فقدان پیشین را به ما بر نمی‌گرداند. معنای حرفم این نیست که نمی‌شود با تمرین دقیق روزانه، آن معصومیت یا حداقل نسخه‌ای از آن را پس گرفت؛ تمرین‌هایی از قبیل این که اتصال بچه‌هایمان به اینترنت را قطع کنیم و آن‌ها را به باغچه بفرستیم تا بازی کنند یا این که یک ساعت پشت میز خالی پدرم بنشینم.

## چنین بود که دیجیتال شدیم

تحولات کلیدی در ارتباط‌گیری به انتخاب هیلی مایرز

۱۹۷۱/ایمیل: ری تاملینسون بود که پست الکترونیک را آن‌گونه که امروز می‌شناسیم، ابداع کرد. او بود که نشانه @ را برای اتصال نام کاربری با مقصدش انتخاب کرد. امروزه تخمین می‌زنند که حدود ۳.۹ میلیارد نفر کاربر ایمیلند.

۱۹۹۲/پیامک تلفنی: نیل پیورث، مهندس بریتانیایی، اولین پیامک (کریسمس مبارک) را از رایانه‌اش به موبایل ریچارد جاریس (یکی از مدیران شرکت وُدفون) فرستاد. دستگاه‌های موبایل در آن زمان صفحه‌کلید نداشتند. برای همین، جاریس نتوانست جواب او را بدهد.

۱۹۹۷/چتروم: صحبت با دوستان (و غریبه‌ها) در چتروم‌ها بر اواخر دهه ۱۹۹۰ حکم‌فرما بود. در دهه بعد، با اوج‌گیری سایر فناوری‌های اینترنت، محبوبیت این چتروم‌ها کاهش یافت و به موازاتش آن خلاصه‌نویسی فراگیر یعنی «اصل» یا asl هم از میان رفت.

۲۰۰۴/رسانه‌های اجتماعی: مای‌اسپیس و جانشینان آن، خواه مکانی برای اتصال معنادار باشند یا یک اتاق پژواک نگران‌کننده یا هر دو، زمانه‌ای را آفریدند که علی‌رغم نگرانی‌های اخیر پیرامون حریم خصوصی و تعدی به داده‌ها، همچنان لایک‌ها، اینفلوئنسر‌ها و فیلترها بر آن حکمرانی می‌کنند.

۲۰۰۵/یوتیوب: اولین ویدئوی یوتیوب با عنوان «من در باغ‌وحش» توسط بنیان‌گذار آن کانال یعنی جواد کریم بارگذاری شد. این ویدئو که تا کنون ۷۳ میلیون بار تماشا شده است، راه را برای اتفاقات فرهنگ‌ساز باز کرد، چیزهایی از قبیل «چارلی انگشت‌شمار گاز گرفت»، بولداگ‌هایی که سوار اسکیت‌بورد هستند و خب، جاستین بیبر.

«این مطلب رایگان لارن، نویسنده روزنامه‌نگار کانادایی که در لندن زندگی می‌کند، نوشته وب‌سایت ترجمان آن را با ترجمه محمد معماریان منتشر کرده است.

## من موبایل دارم، پس باسوادم!



• گودرز گودرز (مجید)

زمان ما موبایل (تلفن همراه) و «نهنگ آبی»\* نبود، تلفن ثابت بود و «نهنگ سفید». تازه خیلی‌ها همان تلفن ثابت را هم نداشتند و فقط تک و توکی نهنگ سفید داشتند که آن را هم خوانده یا نخوانده، گوشه کتابخانه‌شان گذاشته بودند.

در میانه دهه ۶۰ بود که به پیشنهاد و تحریک «سامرست موم» که نوشته بود «خوش‌بختانه موبی‌دیک را می‌توان خواند و با علاقه بسیار هم خواند؛ بی‌آن که آدم حتی فکر کند که مفهوم رمزی و تمثیلی دارد یا ندارد»، عزم جزم کردم تا این‌بار وقتی پدرم ۵۰۰ تومان (۵۰۰ هزار تومان نه، پنج‌هزار ریال) پول جیبی ماهیانه‌ام را داد، یک‌راست بروم کتاب‌فروشی و نهنگ سفید را از ویتترین بیرون بکشم و شکارش کنم و بعد به حسابش برسم.

به محضی که شب شد، خدمتش رسیدم، نفسم را چاق کردم و قلاب مطالعه‌ام را انداختم در دریای وسیع و پر فراز و نشیب رمان. جوان بودم و تازه نفس، فقط ۲۰ سال داشتم.

سطرها کامل و بیش‌تر صفحه‌ها پر و پیمان بودند، با کم‌ترین دیالوگ. از ۱۰ صفحه نخست به سلامت عبور کردم. ۱۰ صفحه بعدی وادارم کرد نفسی تازه کنم. ۱۰ صفحه سوم، نفس کم آوردم و مجبور شدم تجدید قوا کنم. در میانه ۱۰ صفحه چهارم بودم که از پا افتادم و نهنگ سفید را کنار گذاشتم و از خیرش گذشتم و دیگر نزدیکش نشدم و دور و برش نچرخیدم.

نهنگ سفید «هرمان ملویل» با دیگر رمان‌هایی که موم، تعریفشان کرده بود، خیلی متفاوت بود. من از پس «جنگ و صلح» تولستوی با آن حجم بزرگ و آن همه آدم برآمدم و نیز «بینوایان» هوگو، اما نهنگ سفید را نتوانستم مغلوب کتاب‌دوستی خودم کنم. حالا یا سبک نگارشی نویسنده‌اش یک‌جوری بود یا مترجم نتوانسته بود آن را خوب و روان به فارسی برگرداند (عروس نمی‌توانست برقص، می‌گفت زمین کج است!) یا قد و قواره نامناسب بود. (حکایت همان عروس!)

اما در این روزگار، شوربختانه کتاب (و کلاً مطالعه کاغذی) مهجور افتاده و به‌جایش کامپیوتر و موبایل نشسته است. دیگر کم‌تر می‌شود کتابی را در دست نوجوان و جوان امروزی دید.

در این که هر چیزی خوب و بد دارد، تردید نمی‌توان کرد، ولی سواد و چگونه استفاده از آن، حرف اول و آخر را می‌زند و سرنوشت‌ساز است. ورود به مکانی نامطمئن و ناشناخته و مجهول، خوانه‌خواه آدمی را با چالش‌های تودرتو روبه‌رو می‌کند که گاه توهم‌زاست. جوان می‌خواهد سر از این سر دربیارد، غافل از این که ممکن است هرگز سر سلامت به‌در نبرد!

نمی‌شود جلوی اطلاعات و فن‌آوری را گرفت و نیز نمی‌شود مقابل جوان، دیواری بلند کشید و او را حبس و محدود کرد. راه‌های گریز فراوان است و فرار، اجتناب‌ناپذیر. چاره این است که نحوه خوب زندگی کردن و شیوه درست استفاده از تکنولوژی را خود بیاموزیم، درسش را باموفقیت پس بدهیم و بیاموزانیم و نسل امروزی را به‌خود واثانیم. باید قبول کرد که جوان امروز با جوان ۲۰ سال و ۳۰ سال پیش یکی نیست؛ هم در ظاهر (فرم لباس و مو و کفش و آرایش) و هم در باطن (فکر و اندیشه و احساس).

امروز در کنار کامپیوتر (رایانه)، پدیده غریب و شگفت‌آوری به‌نام «اینترنت» در زندگی جوان امروز ورود پیدا کرده است؛ اختراعی بی‌سروته و بس اعتیادآور، تلگرام و اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی مانند آن هم نیز. پارهای از جوانان امروز، خود را درگیر موبایل و اینترنت و فضای غیرمجاز مجازی این وسیله‌ها کرده‌اند، بی‌آن که سواد و توانایی و فرهنگ درست استفاده کردن از آن‌ها را بدانند. بی‌آن که متوجه باشند در پس پرده‌های خوش‌رنگ‌ونگار این تکنولوژی رسانه‌ای، چه جهنم و باتلاقی پنهان است. جهنمی که روان آدم‌ها را به چالش می‌کشد و با روح انسان‌ها بازی می‌کند و سپس نرم و آهسته آن‌ها را به ورطه و گردابی می‌برد که گریز و فرار از آن با اصلاً ناممکن است یا بسیار دشوار و سخت و پرهزینه. این گرفتاری، نتیجه عدم شناخت کافی از این پدیده‌های شگفتی‌آور است.

اما سازندگان چنین پدیده‌ها و نرم‌افزارها خوب می‌دانند که دارند چه کارها می‌کنند و چه تیشه‌های تیزی به‌دست جوانان کشورهای درحال توسعه و دیگر کشورهای مصرف‌کننده می‌دهند تا به تنه و پیکره و ریشه فرهنگ و عقیده خود بزنند! از نمونه‌هایش همین ساخت بازی‌ها و سرگرمی‌هایی است که باید از آن‌ها به عنوان خقه‌های شیک و مدرن نام برد در قالب یک بازی اینترنتی؛ نرم‌افزارهایی که به‌راحتی روی گوشی همراه نصب و پیاده می‌شوند.

داشتن موبایل‌های هوشمند با برندهای آن‌چنانی و اپلیکیشن‌های آن‌چنانی‌تر برای خیلی‌ها -کسانی که خود را خدمت‌گزار این وسیله کرده‌اند، بی‌خبر از آن که این وسیله باید در خدمت آنان باشد- از نان شب هم مهم‌تر و واجب‌تر است. پارهای شخصیت و اعتبار اجتماعی و «بودن» خود را در داشتن چنین موبایل‌ها می‌دانند و ارزش خود را مدیون این وسیله. این موبایل‌دوستان -که معمولاً آن‌گونه که باید سواد و بصیرت رسانه‌ای هم ندارند- حاضرند بمیرند، ولی یک روز بدون موبایل نباشند. برای آن‌ها حیات بدون موبایل، بی‌معنی و بی‌هدف و بی‌خود است؛ چیزی برابر با ممات. کار به جایی رسیده که این‌دسته افراد حالا دیگر نمی‌گویند موبایل من، که مستحیلا نه با افتخار ندا درمی‌دهند: من موبایل!!!

پس باید مراقب این بیماری واکاردار بود. آیا «مراقب‌باش!» کلیل حد مشکلات و رمزی است که چالش‌ها و معضلات پیش روی مردم و به‌خصوص جوانان را حل می‌کند؟ باید با واقعیت‌های پیچیده این پدیده‌ها مواجه شد و با دانش و بینش چاره‌اندیشی کرد. کتمان ناهنجاری‌ها و انکار رواج کج‌روی‌ها در جامعه، نه این که به‌هیچ‌روی راه‌گشا نیست، بل مسایل را مشکل‌تر می‌کند و آن وقت «شاید گرفتن به پیل»!

«نهنگ آبی، یک‌نوع بازی و سرگرمی بود که کاربر می‌توانست آن را در فضای مجازی دنبال کند. هدف از این بازی -به گفته سازنده‌اش- پاک کردن جامعه از طریق وارد کردن فشار به کسانی بود که تلقی می‌شد هیچ ارزشی ندارند، تا آن‌ها را وادار به خودکشی کند.



## چهل سال پیش در همین روز

روز یکشنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ برابر با ۲۸ صفر ۱۴۰۱ مصادف با رحلت پیامبر اسلام (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) تعطیل بود و روزنامه اطلاعات چاپ نشد.

## رولف دوبلی: کمتر بخوانید ولی دوباره بخوانید

نمی دانیم چرا، ولی گویا کتاب باز بودن در زمانه ما تبدیل شده است به فضیلتی بی نهایت ارزشمند. گاهی آن قدر کتاب می خریم و تلبار می کنیم که گنج می شویم مطالعه را از کدامان شروع کنیم. به حجم کتابخانه که نگاه می اندازیم خجالت زده تلالش می کنیم بهانه ای برای نخواندن آن ها دست و پا کنیم. اما کتاب هایی که می خوانیم چه؟ مگر نه این است که بعد از سه چهار ماه کل آن را فراموش می کنیم؟ پس نخواندن چه فرقی دارد با فراموش کردن آن ها؟ آیا می شود یک جایی این دور باطل را تمام کرد؟

پس از مدتی، سر وقت کتابخانه و کتاب هایمان که می رویم؛ اکثرشان دیگر با هم تفاوت زیادی نمی کنند، چون تقریباً چیز زیادی از آن ها یادمان نمی آید و محتوای هر کتاب صرفاً به صورتی مبهم و آشفته از ذهن ما عبور می کند. در چنین مواقعی ابتدا پریشان می شویم که مشکل از حافظه ضعیف خودمان است یا شاید کتاب ها تأثیر اندکی بر ما داشته اند. اگر محتوای کتاب ها تا بدین حد کم به خاطر می ماند، اساساً اهمیت مطالعه در چیست؟ رولف دوبلی، نویسنده کتاب «هنر شفاف اندیشیدن»، پیشنهادهایی دارد. مایه درستی کتاب نمی خوانیم و کتاب خوانی را به نحو گزیده و با دقت کافی به انجام نمی رسانیم. بگذارید با یک مثال ساده مسأله را توضیح دهیم. هر بلیت قطار چند سفره در سوئیس، شش بخش جداگانه دارد. پیش از آغاز سفر، شما کارت خود را در یک دستگاه نارنجی رنگ قرار می دهید که تاریخ و زمان سفر را روی آن درج می کند و بخش کوچکی از گوشه سمت چپ کارت را برمی دارد. زمانی که هر شش بخش کارت مورد استفاده قرار گیرند، اعتبار بلیت به پایان رسیده و بلیت بی ارزش به شمار می رود.

به همین ترتیب، برای خواندن کتاب ها نیز بلیتی را با پنجاه بخش متفاوت در نظر بگیرید. درست به شیوه بلیت های قطار، در اینجا نیز پیش از هر بار خواندن کتاب، باید یکی از این بخش ها را ثبت کنید؛ اما بر خلاف بلیت چند سفری، این تنها بلیت شما خواهد بود و نمی توانید در صورت تمایل یکی دیگر تهیه کنید. زمانی که اعتبار این بلیت به اتمام رسد، شما قادر به باز کردن هیچ کتاب دیگری نخواهید بود و با وجود اینکه در سیستم حمل نقل، امکان فرار از باجه ثبت بلیت وجود دارد، در اینجا هیچ تقلبی ممکن نیست. شاید بپرسید که فقط پنجاه کتاب برای تمامی عمر؟ چطور ممکن است حتی فردی نیمه متملن زندگی خود را با این تعداد محدود کتاب به سر برد؟ کتابخانه خصوصی من شامل سه هزار کتاب است که تقریباً یک سوم آن ها خوانده شده اند، یک سوم از آن ها نیمه خوانده مانده اند و یک سوم دیگر نیز دست نخورده هستند. کتاب های جدیدی نیز هر سال به این تعداد اضافه می شوند. علی رغم تعداد محدود کتاب ها، محتوای آن ها حاضر فایده صورتی مبهم به یاد مانده است. در واقع وقتی به جلد آن ها نگاه می کنم، نوشته های هر کتاب به صورت ابری گذرا و آشفته از ذهنم می گذرد که با احساسات مبهمی آمیخته است. به ندرت می توانم یک کتاب را به اختصار جمع بندی کنم. برخی از کتاب ها در قفسه هستند که نمی توانم با اطمینان بگویم که آیا تا به حال آن ها را خوانده ام یا نه.

حال پرسش اینجاست که اگر محتوای کتاب ها تا بدین حد کم به خاطر می ماند، اساساً اهمیت مطالعه در چیست؟ تردیدی نیست که مطالعه لذتی زودگذر را به دنبال خواهد داشت؛ اما این لذت زودگذر را می توان از خوردن یک شیرینی لذت برد هم به دست آورد؛ بی آنکه از آن انتظار داشته باشیم تا شخصیت ما را شکل دهد. به راستی چرا اثر کتاب همدت کوتاهی با ما می ماند؟

دلیل این امر را باید در نادرستی شیوه خواندن کتاب جستجو کرد. کتابخوانی مایه حد کافی گزیده و دقیق نیست. ما به خود اجازه می دهیم در میان متون مختلف سرگردان شویم و به جای آموزش شیوه یافتن شکار ارزشمند و کمیاب، آزادانه به هر سو گردش کنیم.

امروز من به گونه ای سراسر متفاوت با سالیان پیش کتاب می خوانم. بی تردید میزان کتاب خواندنم با گذشته یکسان است، اما اینک کتاب های کمتر و بهتری را می خوانم و هر یک را نیز دو بار مطالعه می کنم. در واقع به شدت گزیده خوان شده ام و فقط با کمتر از ده دقیقه، درباره خواندن یا نخواندن هر کتاب تصمیم می گیرم. به راستی چرا نباید هر کتاب را دو بار خواند؟ در موسیقی، ما هر قطعه را بارها و بارها گوش می دهیم. چرا نباید با کتاب ها نیز همین گونه رفتار کرد؟ تأثیر دو مین مطالعه کتاب، صرفاً دو برابر نخستین بار نیست؛ بلکه بسیار بیشتر است. من بر اساس تجربه شخصی، آن را بیش از ده بار بیشتر از اولین خوانش کتاب مؤثر می دانم. این نکته مرا بارها و بارها متعجب ساخته است که وقتی به آرامی و با تمرکز مطالعه می کنیم تا چه حد دومین مطالعه را خوانشی جدید می یابیم و درکی عمیق تر از نتایج چنین خواندنی به دست می آوریم.

بر گرفته از سایت ترجمان

## قاپ امروز



گلزار شهدای کرمان در سالروز شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی/عکس از: محمدحسین قنبری

## سرایه

ای دست جفای تو چو زلف تو دراز

وی بی سببی گرفته پای از من باز

ای دست از آستین برون کرده به عهد

و امروز کشیده پای در دامن باز

سعدی

## پند بزرگان

پاسخ هر پرسش فقط عشق است.

پاسخ هر دردی فقط عشق است.

عشق همواره یگانه پاسخ است.

زیرا عشق یگانه واقعیتی است که وجود دارد.

جرالد جمپالسکی

## امروز در تاریخ

## شاه ساسانی شهر نصیبین را از اشغال رومیان آزاد کرد

شاپور یکم، شاه ساسانی ایران، پنجم ژانویه ۲۴۲ میلادی با شکست دادن رومیان، شهر نصیبین را پس گرفت. نصیبین از سال ۵۳۶ تا سال ۳۳۲ پیش از میلاد از مناطق امپراتوری ایران بود که در این سال به دست اسکندر مقدونی افتاد. در آن زمان شهری آرامی و آشوری نشین بود. پس از پیروزی اشکانیان بر جانشینان اسکندر، نصیبین بار دیگر، شهری از شهرهای ایران شد. شاپور دوم نیز در سال ۳۶۳ میلادی نصیبین را از دست رومیان که دوباره بر آن استیلا یافته بودند خارج ساخت.

## اتوبوسرانی در تهران ساماندهی شد

از ۱۵ دیماه ۱۳۳۲، خطوط اتوبوسرانی تهران تغییر قیافه دادند و دارای بلیت ژتونی، باجه بلیت فروشی و اتوبوس مرسدس بنز شدند که دولت وقت از آلمان وارد کرده بود. به علاوه، خطوط اتوبوسرانی تغییر شماره داده و بر حسب شمالی، جنوبی، شرقی و غربی بودن مسیر، ردیف بندی شده بودند. قبلاً هر اتوبوس یا هر چند اتوبوس متعلق به یک فرد حقیقی بود و نظم و ترتیب وجود نداشت و طرز کار، دلیخواهی بود. از مسافران پول نقد (یک قران) دریافت می شد که خرد کردن پول، وقت گیر بود.

## اشعه ایکس کشف شد

پنجم ژانویه سال ۱۸۹۵ و بهلهم رونتگن، فیزیکدان آلمانی اشعه ایکس X-rays را که به نام او به اشعه رونتگن معروف شده اند کشف کرد. این اشعه برخلاف اشعه معمولی، قادر به عبور از اشیاء هستند و به همین دلیل از آنها برای عکسبرداری از داخل بدن استفاده می شود. رونتگن با این کشف مهم، جایزه نوبل فیزیک سال ۱۹۰۱ را نصیب خود کرد.

## نیروهای انگلیسی شهر ریچموند را به آتش کشیدند

پنجم ژانویه سال ۱۷۸۱ در جریان انقلاب استقلال آمریکا، نیروهای انگلستان شهر ریچموند را در ویرجینیا که به انقلاب پیوسته بود به آتش کشیدند. این شهر قبلاً به دست مهاجران انگلیسی ساخته شده و انگلیسی های حاکم بر مهاجر نشین ها آن را از افتخارات خود می دانستند. انگلیسی ها قبلاً بندر نوروک را هم که دو قرن پیش از آن به دست خودشان ساخته شده بود، به همان علت به توپ بسته و آتش زده بودند.

www.iranianshistoryonthistday.com

## جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

بازیگر فیلم	بی موقع	سنگریزه	برگزیده ها	دریغ
خروج حاتمی	M	دعوی کردن	ب	میان زمین و آسمان؟
دوستان تازه			شهر فردوسی	
محیط زیست			برادر مرگ	
بزرگوارتر				
اقرار				
نهیگ دریایی				
نابیدا	بله			بیماری پوستی بالای بدن
سطح	آرایش			
		نان بر طرفدار		
		چسبناک		
پارچه فروش			بخشی از	
اندک			آپارتمان	
	بیجه بز		غ	
	بلند شدن			
نوعی شیرینی		پارچه زخم بندی		
آب منجمد				
در		کشتی جنگی		
مارکی بر وانت				
ن				
آتششان ایتالیا				
نامی بر ای				
عنکبوت				
ت				

حل جدول ۵۴۳۳

مردم در آن روزها...  
مردم در آن روزها...  
مردم در آن روزها...

## سودوکو

۸	۶	۴	۹	۸	۲۹۲۱
۱	۶	۲	۳	۸	
۳	۳	۷	۶	۶	
۸	۳	۲	۹	۹	
۶	۹	۷	۴	۴	
۷	۲	۱	۵	۳	
۴	۸	۹	۶	۷	
۲	۲	۸	۴	۴	
۵	۶	۷	۱	۲	
۱	۵	۳	۶	۷	
۶	۸	۴	۵	۱	
۷	۱	۲	۳	۸	
۲	۹	۳	۷	۶	
۳	۴	۵	۶	۷	
۴	۵	۶	۷	۸	
۵	۶	۷	۸	۹	

حل ۲۹۲۰